آیت‌مندگار

Ayatemandegar
biweekly

www.ayatemandegar.ir

دوهفته نامه سیاسی، اجتماعی | شماره ۵۷ | نیمه اول خرداد ۱۳۹۷ | سال چهارم | هشت صفحه | قیمت ۱۰۰۰ تومان | Political, Social | No.57 Second of May.2018

با افتخار کالای ایرانی میخریم

حمایت از کالای ایرانی ضرورت حیاتی برای کشور

۲و۳

آسیب شناسی یک ناهنجاری

بختکِ طلاق بر جان مردم

۲

نمایندگان مجلس در گفت‌وگو با آیت ماندگار مطرح کردند:

دلیل توهین به رییس جمهور چیست؟

۳

کمدی به مثابه سرگرمی

هومن نشائی
منتقد
۸

پتانسیل های اقتصادی را دریابیم

ابوالفضل زاهدی‌پور
روزنامه‌نگار
۸

نمایندگان مجلس در گفت‌وگو با آیت ماندگار بررسی کردند:

کنترل نرخ ارز نیازمند فکری اساسی

۲و۳

سرمقاله

آموزش با ما چه می‌کند؟

محمدحسن سرائی
نویسنده

مهم‌ترین رکن توسعه در ابعاد فردی، سازمانی و اجتماعی، آموزش است. سازندگی، بهبود و تعالی انسان و هر جامعه‌ای وابسته به آموزش‌هایی است که در طول حیات خود کسب می‌کند. آموزش‌هایی که ما از دوران کودکی از مدرسه و جامعه یاد می‌گیریم بسیار حائز اهمیت هستند اما اینکه در کنار این آموزش‌ها چقدر مهارت کسب می‌کنیم بسیار حائز اهمیت‌تر است. احتمالاً زیاد شنیده‌اید که می گویند فلانی عالم بی‌عمل است، این بدین جهت می‌باشد که آن شخص فقط علم کسب کرده اما در زمینه اجرا و عمل توانمند نیست. به عنوان نمونه گاهی در سطح جامعه با افرادی روبرو می‌شویم که از مدارک بالای علمی برخوردار هستند و از دانشگاه‌های مختلف مدارک بسیاری را کسب نموده‌اند اما در زمان محول کردن امور و کارها به این افراد حتی در زمینه‌ای که تحصیل کرده‌اند نمی‌توانند فعالیت عملی انجام دهند و از پایین‌ترین سطح عملیاتی برخوردار هستند ۸

در این شماره می خوانید:

نتانیاهو؛ گرفتار در پیله خودبافته

۷

روزی که مردم به خشم آمدند

قیام پانزدهم خرداد

۸

#آیت_ماندگار
@ayatemandegar

تسهیلات ویژه برای کارفرمایان خوش حساب

بخشودگی جرائم بیمه‌ای

حمایت از کالای ایرانی و بهبود فضای کسب وکار

برای کسب اطلاعات بیشتر، به شعب تامین‌اجتماعی در سراسر کشور و یا سایت www.tamin.ir مراجعه نمائید.

سازمان تأمین اجتماعی
اداره کل روابط عمومی

حمایت از کالای ایرانی

تفحص

نمایندگان مجلس در گفت‌وگو با آیت ماندگار بررسی کردند:

کنترل نرخ ارز نیازمند فکری اساسی

پس از التهاباتی که در زمستان سال ۹۶ در بازار ارز اتفاق افتاد و تا ماه‌های ابتدایی سال جدید هم ادامه پیدا کرد، دولت تصمیم بر تک‌نرخی کردن ارز گرفت و در ادامه طرحی را به اجرا درآورد که طی آن صرافی‌ها از خرید و فروش اسکناس ارزی منع شدند و بنا شد خرید و فروش اسکناس‌های ارزی تنها از طریق سیستم بانکی انجام شود. از قرار معلوم تصمیمات دولت تا حدودی آرامش را به بازار ارز برگردانده ولی باید منتظر بود و دید دولت تا چه زمانی این سیاست را دنبال خواهد کرد. در این راستا به گفت‌وگو با چند تن از نمایندگان نشستیم تا از نقطه نظرات آن ها باخبر شویم.

محمدرضا بادامچی، نماینده تهران:

تک‌نرخی شدن ارز فضای ملتهب بازار را شکاند

تصمیم بر تک‌نرخی شدن ارز توسط دولت کاری درست بود اما باید توجه داشت که این روند در کوتاه‌مدت اثرگذار است و در آینده باید برای این موضوع فکر اساسی شود. پس از بالا رفتن بی‌رویه قیمت ارز، تک‌نرخی شدن تا حدود زیادی فضای ملتهب بازار را شکاند اما ادامه این مسیر حتی در میان‌مدت، غیربازاری و غیرعقلانی است. البته باید توجه داشت که تصمیم دولت که حتماً با خردجمعی و نظر اقتصاددانان فعال در دولت بوده بر سامان‌بخشی امور، تاثیر مثبتی گذاشت و شاید اگر روند صعودی قیمت ارز ادامه پیدا می‌کرد، چالش‌های عظیم دیگری در حوزه‌های مختلف برای کشور رخ می‌داد. مرتباً اطلاعاتی از سوی مردم درباره خرید و فروش ارز در بازار آزاد به ما منتقل می‌شود و می‌دانیم که گرفتاری‌هایی برای مردم ایجاد شده و حتی افرادی که محق هستند و نیاز به ارز دارند از تهیه ارز ۴۲۰۰ تومانی محروم می‌باشند. اگر دولت فکر اساسی برای مدیریت نرخ ارز نداشته باشد دوباره خرید و فروش ارز بصورت غیرمنطقی ادامه پیدا می‌کند، هرچند که اکنون هم در یک میزانی این اتفاق در حال رخ دادن است. اینکه دولت تصمیم گرفت خرید و فروش اسکناس ارزی تنها از طریق سیستم بانکی باشد به شفاف‌سازی در این زمینه و آرامش بازار منجر شد اما باید قبول کنیم که نمی‌توان صرافی‌ها را بلاتکلیف گذاشت و این مسیر را برای همیشه ادامه داد. در گذشته بانک مرکزی غفلت‌هایی داشته ولی نباید دوباره روی به آزمون و خطا آورد چون هر لحظه امکان این است که دوباره بازار ارز با نوسان و چالش‌هایی روبرو شود.

سیده‌فاطمه ذوالقدر، نماینده تهران:

باید زیرساخت‌های اولیه را مهیا کرد

زمانی که نرخ ارز بالا می‌رود اثر آن بر روی افزایش قیمت همه کالاها دیده می‌شود و این اتفاق، تورم‌زا است. فارغ از تورم، اینکه سرمایه‌گذاران و مردم نمی‌توانند برای آینده خود برنامه‌ریزی کنند و روی به تصمیمات احساسی می‌آورند هم برای کشور بسیار خطرناک است از این‌رو متاسفانه عده‌ای در بازار روی به احتکار آوردند زیرا هراس آن دارند که اگر جنس را فروختند دیگر نمی‌توانند همان جنس را تهیه کنند. علیرغم اینکه انتظار از دولت و تیم اقتصادی‌اش به مراتب بیش از این بود ولی باید گفت تک‌نرخی شدن ارز و اینکه فعلاً خرید و فروش اسکناس ارزی از طریق سیستم بانکی صورت می‌گیرد تا حدودی به آرامش جامعه کمک کرده است. همه مردم خواهان این هستند که دولت و قوه قضاییه با افرادی که به آشفتگی بازار ارز دامن زدند برخورد کنند زیرا در صورت عدم برخورد و ادامه چنین روندی، خطراتی متوجه نظام خواهد شد. امروز شرایط کشور به نحوی است که باید فکری برای اقتصاد و معیشت مردم شود و مطمئناً در چنین فضاهایی خیلی نمی‌توان برای آینده اقتصادی مملکت تصمیم‌گیری کرد. به هر حال اکنون

تفکر

آسیب‌شناسی یک ناهنجاری

بختکِ طلاق بر جان مردم

معماران راهروهای تودرتوی دادگاه خانواده روزی گمان نمی‌بردند که این حجم از زنان و مردان در انتظار طلاق به آنجا رفت و آمد کنَند که اگر اینگونه بود شاید راهروها را طولانی‌تر و عریض‌تر می‌ساختند تا بلکه حتی یک نفر از رفت و آمد راهی که انتخاب کرده خسته شده و قید طلاق را بزند.

این روزها نه تنها کسی از طی کردن مسیر ثبت مهر طلاق در شناسنامه خود خسته نمی‌شود بلکه پدیده شوم طلاق روز به روز رکوردهای عجیب و غریبی از خود ثبت می‌کند؛ یک طلاق به ازای هر سه ازدواج، ثبت ۱۷۵ هزار جدایی در سال ۹۶، ثبت ۲۰ طلاق در هر ساعت، کاهش ۳۰ درصدی ازدواج‌های ثبت شده یا ۸۵ درصد طلاق‌ها مربوط به افراد کمتر از ۴۰ سال از رکوردهای ثبت شده برای ازدواج و طلاق از سال گذشته تاکنون است. این آمار همگی از منابع رسمی کشور ارائه شده‌اند.

در حالی روزانه و سالانه به آمار طلاق در کشور افزوده می‌شود که تلاش‌های گسترده‌ای در سیاست گذاری و برنامه ریزی‌های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی با هدف کاهش طلاق و افزایش دوام و پایداری خانواده‌های ایرانی صورت گرفته است. هر یک از طرح و برنامه‌ها اگرچه به صورت مقطعی، موردی و منطقه‌ای از میزان طلاق کاسته است اما به طور کلی اثری در کاهش و مهار افسارِ گسیخته این آسیب دامن گیر در جامعه ایران نداشته است. بنابر آمار ثبت شده سازمان ثبت احوال کشور به ازای هر ۴,۳ ازدواج ثبت شده از سال‌های ۱۳۹۱ تا ۱۵ اردیبهشت ماه ۱۳۹۷ (۴ میلیون و ۳۲۴ هزار و ۲۷۷)، یک مورد به طلاق (۹۹۱ هزار) انجامیده است.

آمارهای متفاوت، دقیق و رسمی از میزان طلاق در سال‌های مختلف در کشور وجود دارد. روزی نیست که روزنامه‌ای گزارشی از افزایش و آسیب‌های طلاق منتشر نکند. از این رو طلاق، آسیبی نام آشنا برای مسئولان کارشناسان اجتماعی و فرهنگی است. پژوهش‌های متعددی در زمینه شناخت عوامل طلاق در کشور صورت گرفته است به گونه‌ای که اکنون همه می‌دانند اعتیاد، مشکلات اقتصادی، خیانت، عدم تفاهم، اخلال روابط اجتماعی و فردی، عدم آشنایی با مهارت‌های اخلاقی، دخالت والدین، اختلاف سنی کم یا زیاد و بسیاری دیگر از عوامل زنان و مردان را به سوی طلاق سوق می‌دهند.

از دیدگاه کارشناسان نیز عوامل متعدد اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، روانی، رفتاری و حتی جسمی در هدایت یک رابطه به سوی بن بست طلاق دخیل هستند. اعتیاد، بیکاری، مشکلات اقتصادی، افزایش سطح توقعات زوجین، سطح طبقاتی متفاوت، شبکه‌های مجازی و تبلیغات ماهواره‌ای، دخالت‌های بی مورد اطرافیان، اشکال در روابط زناشویی و ابتلا به انواع اختلالات روحی و روانی از اصلی‌ترین عوامل طلاق در جامعه ایران است. از این‌رو، زنگ خطر فروپاشی خانواده بیش از دو دهه است که توسط جامعه شناسان و آسیب شناسان اجتماعی به صدا درآمده است. طلاق به عنوان یکی از مهمترین آسیب‌های جامعه ایران روند صعودی در دو دهه اخیر داشته است. این در حالی است که بخش زیادی از تلاش مسئولان اجتماعی و فرهنگی در دولت‌های مختلف به مقابله با معضل طلاق اختصاص یافته است. آسیب‌های این پدیده بر جامعه آنچنان گسترده است که به مثابه تهدیدی جدی برای بنیان خانواده و ارکان فرهنگی و اجتماعی محسوب می‌شود. طلاق بر اقتصاد جامعه اثرگذار است، نابهنجاری‌های اخلاقی و رفتاری را در جامعه رواج می‌دهد، کودکان طلاق را با انبوهی از آسیب‌ها از خود برجای می‌گذارد، باعث کاهش ازدواج و رواج ازدواج سفید می‌شود، اختلالات روحی و روانی را تشدید می‌سازد.

جامعه ایرانی از نبود آموزش و مهارت‌های زندگی به عنوان خلایی بزرگ در استحکام زندگی و روابط خانوادگی و زناشویی رنج می‌برد و جای آن در تمام مراحل آموزشی؛ از مدرسه تا دانشگاه خالی است. در این میان آمارهای رسمی نشان می‌دهد، راهکارهای به کار گرفته شده برای کاهش طلاق همچون ارائه مشاوره‌های خانواده پیش از ازدواج و طلاق به زنان و مردان، برگزاری کارگاه‌های آموزشی ازدواج و غیره در کاهش طلاق مؤثر واقع نشده است؛ بنابراین، برای برون رفت از این معضل نیاز است مسئولان کم‌توجهی‌های خود را کنار گذاشته و اندکی دغدغه مند به این پدیده خانمان برانداز نگاه کنند.

نگاه

باافتخار کالای ایرانی میخریم

حمایت از کالای ایرانی ضرورت حیاتی برای کشور

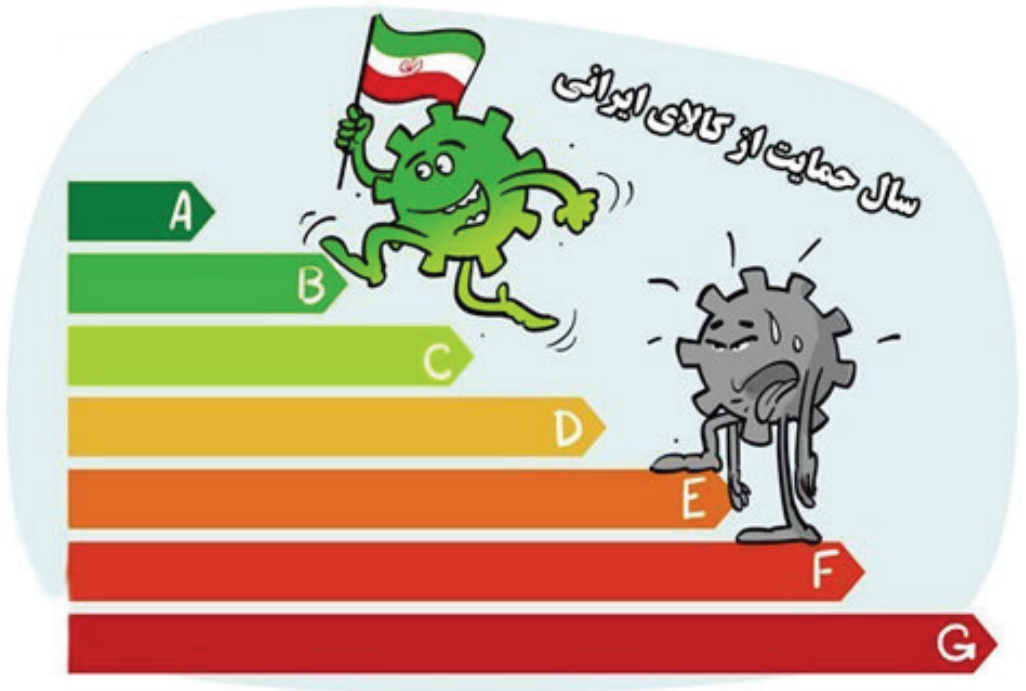

تحقق شعار امسال تحت عنوان «حمایت از کالای ایرانی» در کنار حمایت و پشتیبانی مالی دولت از بخش غیردولتی، باید بستر سرمایه‌گذاری مردمی در جامعه ارزان و آسان باشد تا کالاهای داخلی از حیث کمی و کیفی رشد پیدا کند.

از این‌رو برای ترغیب و تشویق مردم به مصرف کالاهای ایرانی باید در کشور تولید از نظر کیفی قابل رقابت با اجناس سایر کشورها باشد که در این خصوص مسئولیت تولیدکنندگان بیش از پیش به چشم می‌آید. برای تحقق شعار امسال همه مردم و مسئولان باید بسیج شوند و از تولید داخلی به معنای واقعی حمایت و پشتیبانی کنند زیرا حمایت از کالای ایرانی منجر به رونق اقتصادی و رفع بیکاری در جامعه می‌شود. در این راستا انتظار می‌رود که دولت با تمام توان از سرمایه‌گذاران، تولیدکنندگان و کارآفرینان داخلی جهت تحقق شعار امسال و توسعه همه‌جانبه کشور در مسیر رشد اقتصادی حمایت کند. همان‌طور که از تولیدکنندگان توقع افزایش کیفیت در تولید محصول است از دولت هم این توقع وجود دارد که چتر حمایتی خود را نسبت به سال‌های گذشته و در جهت حمایت سرمایه‌گذاران بازتر کند تا همه تولیدکنندگان داخلی بتوانند در یک فضای امن و آرام و با کمترین دغدغه، روند تولید خود را دنبال کنند.

باید به نوسازی صنایع داخلی توجه شود

سیده‌حمیده زرآبادی، نماینده قزوین و عضو کمیسیون صنایع و معادن مجلس دهم در خصوص حمایت از کالای ایرانی با هدف رشد و توسعه صنایع به خصوص صنعت خودرو، گفت: برای تحقق شعار سال ۹۷ که حمایت از کالای ایرانی است باید یک مرحله به عقب برگشت و ابتدا این حمایت را از تولیدکنندگان داخلی انجام داد. در ابتدای امر باید یک برنامه دقیق و منسجمی وجود داشته باشد که تولیدکنندگان تشویق به تولید کالاهای رقابت‌پذیری شوند که دارای ویژگی‌هایی مثل قیمت مناسب و کیفیت بالا باشد. اگر این مسیر به درستی طی شود، مصرف‌کننده خود ترغیب به خرید کالا می‌شود. پس واضح و روشن است که دولت باید بصورت منطقی حمایت خود را از تولیدکنندگان داخلی در دستور کار قرار دهد زیرا بدون حمایت دولت، تولید داخلی آن‌طور که سزاوار است رشد و تقویت نمی‌شود. وی افزود: امروز بسیاری

که فضا تا حدودی آرام است امیدوارم دولت و مدیران ارشد وزارت اقتصاد با برنامه‌ریزی منطقی، بازار ارز را سامان بخشند زیرا زمانی چرخ اقتصاد می‌چرخد که زیرساخت‌های اولیه مهیا باشد. امسال، سالی مهم برای کشور است چون براساس نامگذاری که در ابتدای سال از سوی مقام معظم رهبری صورت گرفته باید حمایت لازم از سرمایه‌گذاران داخلی صورت بگیرد تا مردم راحت‌تر به خرید کالاهای ایرانی روی آورند.

علی گلمرادی، نماینده ماهشهر و امیدیه:

تک‌نرخی شدن ارز و نظارت دقیق، نقطه‌ای مثبت در عملکرد دولت

نوسانات شدید ارز در ماه‌های گذشته یک اتفاق ناگوار برای کشور و مخصوصاً سیستم بانکی بود. دولت پس از این آشفتگی به موضوع ورود پیدا کرد و با تصمیمات سریعی که گرفت تا حد قابل ملاحظه‌ای شرایط را به حال عادی برگرداند. من فکر می‌کنم اگر دولتمردان کمی دیرتر وارد عمل می‌شدند شرایط خطرناکی برای کشور به وجود می‌آمد که شاید تا به امروز درگیر آن می‌بودیم. تک‌نرخی شدن ارز و نظارت دقیق بر آن، یک نقطه مثبت در عملکرد دولت است زیرا اگر غیر از این عمل می‌شد شاهد شرایط به مراتب بدتری بودیم. امروز برای ثبات بازار ارز و بهبود وضعیت اقتصادی کشور نیاز است که دولت و کمیسیون‌های تخصصی و اقتصادی مجلس در کنار هم برای آینده کشور چاره‌اندیشی کنند. باید بپذیریم که هر لحظه امکان این وجود دارد که با اتفاقی پیش‌بینی نشده دوباره شرایط غیرعادی بر اقتصاد ما تحمیل شود، پس رصد کردن شرایط و ارائه راهکارهای کوتاه‌مدت، میان‌مدت و بلندمدت نیاز اساسی اقتصاد کشور است. اتفاقات بازار ارز در فروردین و اردیبهشت امسال یک تلنگر به همگان بود که بدانیم گاهی ناامنی می‌تواند یکباره و از حوزه‌ای غیرقابل پیش‌بینی باشد. امید است دولت دوازدهم در سال ۹۷ با سامان‌دهی تیم اقتصادی خود، بهترین راهکارها را در جهت خواست عمومی مردم عملیاتی کند.

محمدرضا منصوری، نماینده ساوه و زرندیه:

دولت باید جذابیت و رونق اقتصادی ایجاد کند

تک‌نرخی شدن ارز، تزریق یک آرام‌بخش برای اقتصاد کشور بود زیرا اگر دولت روی به این تصمیم نمی‌آورد سودجویان به دنبال بهره‌برداری از این فضا بودند و مطمئناً ادامه این مسیر به تضعیف دولت و به تبع آن مردم منجر می‌شد. البته من معتقدم در آینده این عرضه و تقاضا است که قیمت واقعی ارز را مشخص می‌کند و دولت باید هرچه سریع‌تر با ایجاد جذابیت و رونق اقتصادی، فضا را به نفع کشور تغییر دهد.

شنیده‌ها حاکی از آن است که برخی از مردم روی به نگهداری ارز در خانه‌ها آورده‌اند که این روند به هیچ عنوان برای اقتصاد کشور مطلوب نیست و اگر دولت در مسیر رشد اقتصادی، گام‌های خوبی بردارد و اعتمادسازی کند خواهیم دید که مردم هم در پروژه‌های مختلف اقتصادی خود را شریک دولت خواهند کرد. اگر ارزش پول کشور بالا رود فردی که روی به خرید دلار ۶ هزار تومانی آورده به یکباره با ضرر زیادی روبرو خواهد شد؛ پس واضح است که نقش دولت برای مقابله با چنین تفکری بسیار کلیدی است و در نهایت این دولتمردان ما هستند که می‌توانند با تفکرات اقتصادی خود از بروز چنین فرهنگی جلوگیری کنند و در ادامه در مقابل سودجویان بازار ارز محکم و قدرتمند بایستند.

تحقیق

نمایندگان مجلس در گفت‌وگو با آیت ماندگار مطرح کردند:

دلیل توهین به رییس جمهور چیست؟

ابوالفضل زاهدی پور- طبق قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، رییس جمهور برآمده از رای ملت است. بر این اساس پس از برگزاری انتخابات ریاست جمهوری و تایید و صحت آن از سوی شورای نگهبان، رهبر انقلاب با تنفیذ رای ملت، فرد منتخب را به ریاست جمهوری منصوب می‌کند. از این‌رو از روزی که رییس جمهور منتخب کارش را به عنوان رییس قوه مجریه شروع می‌کند رییس جمهور همه مردم ایران شناخته می‌شود و موظف است دغدغه همه مردم را در دستور کار خود قرار دهد. متاسفانه در هفته‌های گذشته عده‌ای که به نظر می‌رسد از رای قاطع مردم در ۲۹ اردیبهشت ۹۶ رضایت نداشتند بهترین مسیر در جهت تضعیف رییس جمهور را در توهین به وی دریافتند. هرچند این نوع رفتارها مسبوق به سابقه است اما عملیاتی کردن چنین پروژه‌ای برای چندمین بار حکایت از آن دارد که این افراد دل در گرو ایران و آبادانی کشور ندارند زیرا لازمه پیشرفت هر کشوری وحدت و همدلی است. در همین خصوص به سراغ سه تن از نمایندگان مجلس شورای اسلامی رفتیم تا نظرات آن ها را در این باره جویا شویم.

احمد انارکی‌محمدی، نماینده رفسنجان و انار:

توهین به رییس جمهور سیاسی است

آقای روحانی تایید شده نظام است یعنی پیروزی ایشان در انتخابات به رسمیت شناخته شده و دولت با رای اعتماد مجلس شکل گرفته است. بدون شک سیاست‌هایی که از سوی دولت دوازدهم دنبال می‌شود مطابق با سیاست‌های کلی نظام است و تاکنون مسیری غیر از این دیده نشده است. به هر حال انتقاداتی هم به روند مدیریتی دولت وجود دارد و خیلی از افراد انتقادات و پیشنهادات خود را بدون لکنت به رییس جمهور و کابینه ایشان تذکر می‌دهند اما در این بین، بی‌احترامی و توهین هیچ جایگاهی ندارد. متاسفانه در سال‌های اخیر، بداخلاقی‌های سیاسی به صورت یک فرهنگ درآمده و برخی به خود اجازه می‌دهند که خیلی راحت روی به توهین بیاورند. به نظر من توهین‌هایی که امروز به رییس جمهور می‌شود ریشه‌های سیاسی دارد زیرا اگر فردی به نظام اعتقاد داشته باشد و رای مردم را قبول کرده باشد نمی‌تواند مسیر بداخلاقی را در پیش بگیرد. چقدر خوب بود که افراد توهین‌کننده به جای ناسزاگویی به رییس جمهور به دنبال اثبات خود می‌رفتند و راهکارهای اصولی را برای اداره بهتر کشور ارائه می‌دادند. امروز کشور به لحاظ سیاسی و اقتصادی در شرایط حساسی بسر می‌برد و باید توجه داشت که در شرایط کنونی هیچ چاره‌ای جز وحدت و توافق بر سر منافع ملی نداریم.

سهیلا جلودارزاده، نماینده تهران:

توهین‌کنندگان به دنبال تحقق اهداف اسراییل هستند

به نظر می‌رسد برخی افرادی که توهین به رییس جمهور را در دستور کار خود قرار داده‌اند به جاهای بیگانه‌ای وصل هستند زیرا در شرایطی که دولت و ملت بر سر آرمان‌های خود محکم ایستادند لزومی ندارد که عده‌ای، سمبل رای مردم را نادیده بگیرند و هرچه می‌خواهند بر زبان بیاورند. مطمئناً این روند خواست دشمنان نظام است و تمام این اظهارنظرها در حافظه تاریخی ملت ایران باقی می‌ماند. من معتقدم این افراد بنا دارند توهین‌های خود را ادامه دهند تا شاید اروپا هم به این نتیجه برسد که باید از برجام خارج شود و متاسفانه این روش توهین‌کنندگان چیزی جز تحقق اهداف اسراییل نیست. دولت باید همه انتقادات را گوش کند و در اسرع وقت کمبودها را برطرف کند اما این موضوع کاملاً با توهین‌های اخیر متفاوت است و گویا هتاکان، مسیری غیر از خواست عمومی ملت را در پیش گرفته‌اند.

سیدحسن حسینی‌شاهرودی، نماینده شاهرود و میامی:

انقلاب ایران از جنس اخلاق‌مداری بوده است

انقلاب ایران، انقلاب اسلامی بوده و اولین اصل در اسلام، اخلاق‌مداری است. باید توجه داشت که توهین در هیچ لباس و جایگاهی پذیرفته نیست و جامعه هم آمادگی چنین بی‌اخلاقی‌هایی را ندارد. چه مسئولان نظام و چه مردم همیشه باید بر سخن و عمل خود کنترل داشته باشند تا از مسیر اخلاق و عقلانیت خارج نشوند. گاهی ما با یکدیگر در بخش‌های مختلف، اختلاف سلیقه داریم و حق داریم نظرات خود را بیان کنیم و نمی‌توان فردی را مجبور کرد که با ما هم‌نظر باشد ولی هیچ توجیهی ندارد که این اختلاف نظرها آلوده به توهین شود. اگر می‌بینیم که در کشور، حزب‌های مختلف در حال فعالیت هستند به خاطر همین اختلاف نظرها در اداره کشور است و اتفاقاً این امری مبارک است که عده‌ای در کنار هم جمع شوند و در کمال اخلاق، روش و منش خود را دنبال کنند. نکته حائز اهمیت دیگر این است که اگر حرفی درست و منطقی باشد اما با بی‌احترامی بیان شود اثر خود را از دست می‌دهد. اگر بنا بر اصلاح است باید بدانیم که این مسیر فقط با اخلاق‌مداری به نتیجه می‌رسد.

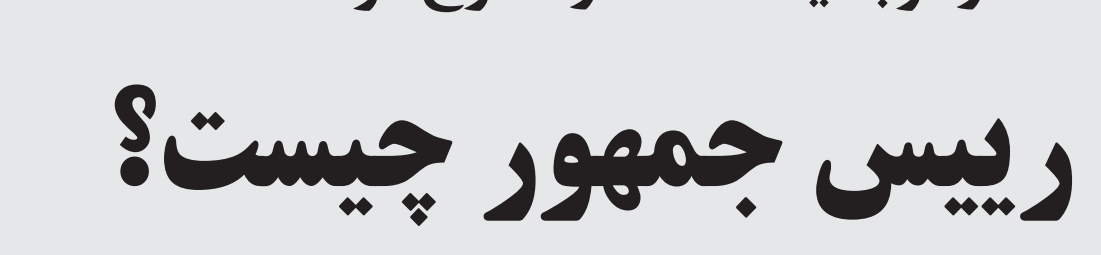

از مردم با ملاک قرار دادن قیمت خودرو به سمت خرید خودروی داخلی می‌روند و شایسته است که خودروسازان داخلی ما به کیفیت محصول تولیدی خود بیش از پیش توجه کنند. بالا رفتن کیفیت خودروی ساخت داخل، یک مطالبه به حق از سوی مردم است و علیرغم پیشرفت‌هایی که در این بخش بوده انتظار است که با حمایت همه دست‌اندرکاران، این روند سرعت بیشتری به خود بگیرد. برای آنکه صنعت خودروسازی داخل با رشد و بالندگی بیشتر روبرو شود نیاز است که مدیران ارشد این گروه‌های صنعتی روی به تنوع بیشتر محصولات خود بیاورند، البته باید توجه داشت که تنوع باید همراه با قیمت‌های مختلف باشد. بطور مثال وقتی خودرویی ۳۵ میلیون تومان قیمت دارد باید در آن میزان قیمت، چند نوع محصول تولید شود که مشتری حق انتخاب داشته باشد. زرآبادی درباره چگونگی حمایت مجلس از کالای ایرانی، اذعان کرد: وظیفه مجلس قانون‌گذاری و دولت بازوی اجرایی کشور است. من فکر می‌کنم دولت و مجلس به کمک هم می‌توانند بستری را فراهم کنند که نوسازی صنایع که یک ضرورت در کشور است، بوقوع بپیوندد. در حال حاضر چه در صنعت خودرو و چه در صنعت‌های دیگر نیاز است که به لحاظ سخت‌افزاری بروز شویم. نمایندگان در بودجه سال ۹۷ به این موضوع توجه ویژه داشتند که امیدوارم تا پایان سال، این خواسته عملیاتی شود. حتی در بودجه سال ۹۷ به موضوع مشوق‌های صادراتی هم توجه شده است. کالا زمانی می‌تواند صادر شود که کیفیت بالایی داشته باشد و بتواند با جنس مشابه خود رقابت کند. پس مشوق‌های دولتی یک راهکار مناسب برای موفقیت در این حوزه است. وی در خصوص رابطه اشتغال‌زایی و حمایت از کالای ایرانی، خاطرنشان کرد: طبیعی است که اگر مردم از کالای ایرانی حمایت بیشتری کنند، تولید کارخانه‌ها هم بالا می‌رود و به تبع آن اشتغال‌زایی ایجاد می‌شود. در درون شعار سال ۹۷، شعارهای سال‌های قبل هم دیده می‌شود و اگر ما در گذشته عملکرد بهتری از خود بجای می‌گذاشتیم، امسال راحت‌تر به هدف خود می‌رسیدیم.

به هر حال چاره‌ای نیست و باید دید که در سال‌های گذشته در چه بخش‌هایی کم‌کاری داشتیم و آنگاه آن کمبودها را برطرف کنیم تا زیرساخت‌هایی که می‌تواند منجر به تحقق شعار امسال شود بوجود آید. زرآبادی در پایان تصریح کرد: امیدوارم تخصیص‌هایی که در بودجه سال ۹۷ برای بخش‌های مختلف کشور تعیین شده بطور کامل توسط دولت انجام شود چون اولین گام در رسیدن به هدف، اجرای برنامه‌ریزی‌هایی می‌باشد که با خردجمعی صورت گرفته است.

از طرف دیگر باید اراده‌ای باشد که در سال ۹۷ با قاچاق کالا بطور جدی مبارزه شود، زیرا قاچاق، آفت بزرگی برای اقتصاد کشور است. نکته دیگر که شاید با اهمیت‌تر از همه نکات باشد این است که باید در مقابل فساد اداری محکم ایستادگی کرد. فساد اداری، شرایطی را در کشور بوجود آورده که بسیاری از تصمیمات و روال‌های منطقی از مسیر اصلی خود خارج شده‌اند. برای اینکه همگان در کار انگیزه داشته باشند باید فرصت‌ها بصورت برابر برای همه برقرار باشد. اگر این حس در جامعه و در میدان عمل اتفاق بیافتد، بسیاری از مشکلات پیش‌رو در کشور حل و فصل خواهد شد.

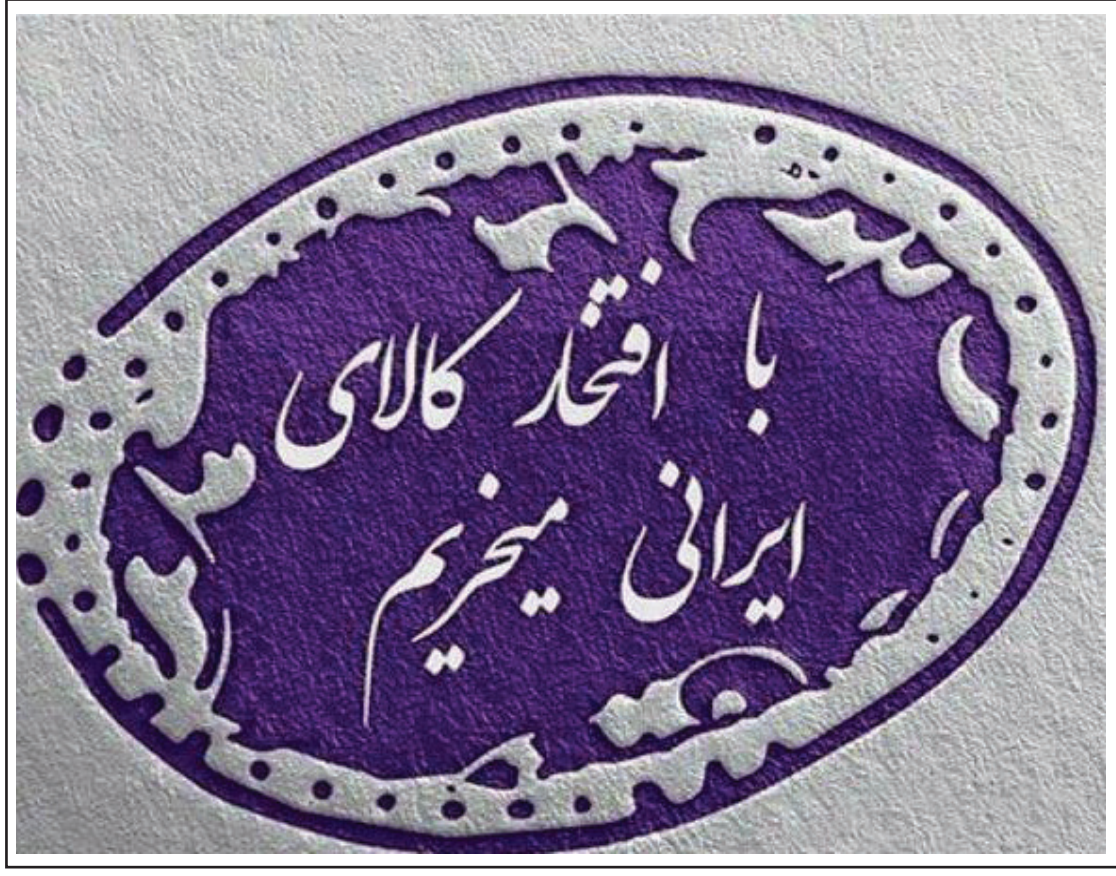

بررسی

اعتراض به ناعدالتی

قیام گرسنگان در مغرب

مغرب از دو سال پیش صحنه برگزاری تظاهرات مسالمت آمیز مردم در اعتراض به وضعیت بد اقتصادیشان است و در این میان شمار زیادی از معترضان بازداشت شده‌اند. این اعتراض‌ها همچنان ادامه دارد و این روزها درخواست‌هایی برای استعفای نخست وزیر و کابینه این کشور به گوش می‌رسد.

سال ۲۰۱۱ میلادی جوانی دست فروش به نام «محمد بوعزیزی» در اعتراض به برخورد بد پلیس با خود و جلوگیری از کار، خود را به آتش کشید و این سرآغاز انقلاب‌های مردمی در تونس و برخی کشورهای عربی بود که به بهار عربی یا بیداری اسلامی معروف شد و بسیاری از حکام منطقه که از چندین دهه پیش بر کرسی قدرت تکیه داده بودند، از تخت پایین کشیده شدند که «معمر قذافی» دیکتاتور لیبی، «حُسنی مبارک» دیکتاتور مصر و «علی عبدا... صالح» در یمن از این جمله بودند، هرچند نباید در این میان موج سواری قدرت‌های خارجی در این کشورها را فراموش کرد.

مغرب از جمله کشورهایی بود که از این حوادث جان سالم به در برد اما از سال ۲۰۱۶ میلادی که شمار زیادی از مردم این کشور از وضعیت اقتصادی خود بسیار ناراضی‌اند، دست به اعتراض‌هایی زده که هنوز هم با اشکال مختلف ادامه دارد.

اعتراض‌های ریف در مغرب

آغاز اعتراض‌ها در مغرب به ۲۸ اکتبر سال ۲۰۱۶ باز می‌گردد که نیروهای دولتی ماهی‌های یک ماهی فروش ۳۰ ساله به نام «محسن فکری» را در «حسیمه» واقع در منطقه ریف در شمال مغرب مصادره کردند و در خودروی حامل زباله ریختند. این جوان در اعتراض به این اقدام و در تلاش برای برگرداندن ماهی‌ها همراه با دوستان خود وارد خودروی حامل زباله شدند و در پی آن این جوان لای تیغه‌های خودروی حمل زباله جان باخت و اینگونه آتش اعتراض‌ها و راهپیماهایی بر افروخته شد.

معترضان و مردم ابتدا خواستار اجرای عدالت و کشف حقایق در خصوص کشته شدن این جوان بودند اما کمی بعد این جنبش ابعاد دیگری به خود گرفت و مردم ده‌ها خواسته حقوقی، اجتماعی و

فرضیه

ناآرامی‌های اردن

نیشتر تنبیه یا خنجر خیانت

عبدا... دوم شاه اردن ۵۰ روز پیش در کنفرانس سران عرب پیامی را در قالب ذکر صلوات به سعودی‌ها داد اما شاید کسی فکر نمی‌کرد آن صلوات متفاوت، رگه‌هایی از اختلاف ریاض و امان بر سر قرارداد قرن باشد.

در کنفرانس سران عرب، عبدا... دوم شاه اردن که خود را از نسل پیامبر اکرم (ص) می‌داند، سخنرانی‌اش را با صلوات به سبک «ا...م صل علی النبی العربی الهاشمی» (صلوات بر پیامبر عربی هاشمی) آغاز کرد که مورد اعتراض پادشاه سعودی قرار گرفت و از وی خواست صلوات به «شیوه ابراهیمی» (ا...م صل علی محمد وعلی آل محمد کما صلیت علی إبراهیم و علی آل إبراهیم) بفرستند.

حقیقت دارد که اردنی‌ها همواره سعودی‌ها و حکومتشان را مدیون خانواده هاشمی و تولیت اماکن مقدسی مانند مکه و مدینه را از آن خود می‌دانند و داستان تاریخی‌اش به شریف حسین باز می‌گردد؛ جد خاندان هاشمی حاکم بر اردن که حجاز را به سود آل سعود واگذار کرد.

سعودی‌ها اما حالا نه تنها احساس دینی به خاندان هاشمی نمی‌کنند، بلکه از قضیه فلسطین نیز به عنوان عضو حیاتی و ملتهب جهان اسلام عبور کرده‌اند، اما نه با هزینه خودشان بلکه به ضرر پادشاهی اردن.

پادشاهی اردن حق دارد از این لحاظ احساس تنهایی یا خشم کند؛ در کوچه و خیابان‌ها حتی کسانی که تحلیل عمیقی از تحولات خاورمیانه ندارند حالا صحبت از قرارداد قرن و کوتاه آمدن عربستان سعودی و برخی سران عرب از حق بازگشت آوارگان فلسطینی و پرداخت هزینه‌های سازش با اسرائیل از جیب اردنی‌ها و فلسطینی‌ها می‌کنند.

اردن در حال پرداخت هزینه صورتحساب‌ها و فاکتورهای قرارداد قرن به سود عادی سازی روابط برخی سران عرب با رژیم صهیونیستی است.

اردن بعد از مصر، خود پیشتاز عادی سازی روابط با رژیم صهیونیستی بوده است، بنابراین طبیعی است که این رطب خورده منع رطب نکند، اما مساله این است که هزینه سازش سعودی‌ها و اماراتی‌ها با اسرائیل باید از جیب اردنی‌ها پرداخته شود، زیرا اشتیاق برخی کشورهای عربی به ویژه عربستان سعودی برای عادی سازی روابط با اسرائیل به دولت آمریکا جسارتی بیشتر از همیشه برای تأیید تعلق قدس به اسرائیلی‌ها و انتقال سفارت خود از تل آویو به این شهر را داده است؛ این یعنی اردنی‌ها، هم تولیت خود را بر قدس از دست می‌دهند و هم باید قید بازگشت فلسطینیان ساکن اردن به سرزمین اصلی را بزنند.

اردن بزرگترین میزبان جمعیت پناهندگان و آوارگان فلسطینی است؛ گفته می‌شود بیش از نیمی از اردنی‌ها، ریشه فلسطینی دارند و تعداد زیادی از این‌ها در اردوگاه‌های آوارگان در اطراف امان پایتخت اردن و برخی استان‌ها ساکن هستند. این ملاحظه هم اردن را از کوتاه آمدن درباره قدس باز می‌دارد.

از توافق تاریخی درباره حجاز تا قرارداد قرن

به هر روی، حال این روزهای اردن، مشابه حال خاورمیانه متلاطم است که هر روزش قصه جدیدی دارد. هویتش هم به همین اندازه متغیر است؛ یک روز از حجاز به منطقه می‌نگرد، روز دیگر از وادی عربه؛ اردنی‌ها یک روز مجبورند در امان و از کرانه خاوری رود اردن به سرنوشت اقتصاد وابسته خود خیره شوند و روزی دیگر در کرانه باختری بایستند، لباس فلسطینی‌ها را بپوشند و از قدس شرقی و شبه اشغال شده، چشم به ورطه تازه خود و خاورمیانه جدید بدوزند.

قرارداد قرن، قصد دارد به جای شعار معروف «قدس، پایتخت ابدی فلسطین»، اقامت فلسطینی‌ها در اردن را ابدی کند و وصایت تاریخی خاندان هاشمی (پادشاهی اردن) بر مقدسات اسلامی و مسیحی قدس را نیز از آنان سلب کند. تنهایی اردن نه فقط به این دلایل، بلکه به خاطر آن است که سناریوی قرارداد قرن را نه دشمنان اردن، بلکه دوستان تاریخی‌اش تأیید و حمایت می‌کنند؛ آمریکا، اسرائیل، عربستان سعودی، امارات و...

شاید به علت درک این خطر بود که اردن به سوی ایران و ترکیه به عنوان رقبای جدی ائتلاف سازش با رژیم صهیونیستی آمد و همزمان با قطع کمک‌های همیشگی کشورهای منطقه، اردن، ناچار به اعمال مالیات‌های سنگین‌تر بر درآمد شد و این گونه بود که جرقه ناآرامی‌های اخیر زده شد. (گفته می‌شود کمک‌های کشورهای عربستان، امارات و کویت در قبال چشم پوشی تاریخی شریف حسین، جد خاندان هاشمی از تولیت مکه و مدینه در حجاز و راضی شدن به حکومت در اردن بوده است.) این واقعیت را ملک عبدا... شاه اردن هم در نطق اخیر خود درباره اعتراضات در کشورش گفت و تصریح کرد: اردن امروز بر سر دوراهی است... کمک‌های بین المللی به کشور کاهش یافته این در حالی است که ما در حال تحمل بار میزبانی پناهندگان سوری هم هستیم.

برگه قطع کمک‌های کشورهای خلیج فارس و آمریکا قرار است مانند اهرم فشاری، پادشاهی اردن را در تنگنا بگذارد. خوانش سعودی‌ها از این قضیه آن است که اردن، بدون کمک و تشنه در جدال برای تنازع بقا به حال خود رها شود، اگر از بحران بیرون آید، ضعیف شده و اگر سقوط کند به ضرر پرچمداران قرارداد قرن نخواهد بود.

قرائتی سعودی از اشتباهات اردن

حکایت پشت اردن و خنجر سعودی هر چه باشد از چارچوب قرارداد قرن و تقابل با ایران خارج نیست.

از نگاهی سعودی، پادشاهی اردن در تقابل با ولع ریاض برای رابطه با تل آویو، دچار خطاهایی شده است و پادشاهی سعودی و آمریکا را به صرافت تنبیه اردن انداخته است.

- اردن در دو کنفرانس اسلامی ترکیه مشارکت کرده (۱۵ دسامبر ۲۰۱۷ و ۱۸ می‌گذشته) این در حالی است که عربستان هم به دلیل تقابل با ترکیه و هم به علت حضور حسن روحانی رییس جمهوری اسلامی ایران در این کنفرانس، نمی‌خواست اردنی‌ها در این نشست‌ها شرکت کنند.

- شاه اردن در این کنفرانس با رییس جمهوری اسلامی ایران دست داده است در حالی که آمریکا، اسرائیل و عربستان سعودی انتظار دور ماندن عبدا... دوم از حسن روحانی را داشته‌اند، هر چند حرکت اردن به سوی ایران طبیعی بود و به گفته «توفیق رباحی» نویسنده و روزنامه نگار الجزایری، اردن حالا خوب می‌داند که ایران حتی اگر دشمن باشد، دشمن دانا است و عربستان سعودی حتی در صورت اثبات دوستی، دوست نادان است.

اردن همچنین نخواست وارد خصومت با قطر به خاطر عربستان و امارات شود و خود را درگیر جدال‌های خلیج فارس نکرد.

همه این دلایل باعث شد تا برخی طرف‌های بین المللی و منطقه‌ای به فکر اعمال فشار بر اردن بیفتند.

اردن هاشمی و بهار عربی؟

برخی رسانه‌های عربی حامی عربستان و امارات تلاش می‌کنند اوضاع اردن را به بهار عربی تشبیه کنند و می گویند بعد از ۷ سال این بهار به اردن رسیده است. واقعیت این است که چنین تحلیلی نمی‌تواند به سود کشورهای حامی ناآرامی‌ها در اردن باشد. اگر این فرض را بپذیریم که برخی دست‌ها از خلیج فارس در حال تحریک حوزه خلیج عقبه و وارد کردن شوک به اردن از گذرگاه وادی عربه هستند، باید این احتمال را هم بدهیم که توانایی ایجاد تنش در اردن، لزوماً به معنای توان مدیریت بحران‌های بعدی نیست. باید به خاطر داشت همیشه کسانی که به میدان و خیابان شورش و

اقتصادی زیادی مطرح کردند که ساخت ورزشگاه و دانشگاه و بیمارستان و ایجاد فرصت‌های شغلی از این جمله بود.
این اعتراض‌ها به جنبش ریف مشهور شد و «ناصر الزفزافی» یکی از مهم‌ترین فعالان این جنبش زندانی در کنار بیش از ۱۵۰ نفر از شهروندان مغربی بازداشت شد. او اخیراً در اعتراض به حبس انفرادی‌اش دست به اعتصاب غذا زده است.
اعتراض‌ها در حسیمه مغرب همچنان ادامه داشت تا اینکه آتش این اعتراض‌ها در جاهای دیگر نیز شعله ور شد.

اعتراض‌های جراده

«جراده» منطقه‌ای در ۵۲۲ کیلومتری شمال شرق رباط پایتخت مغرب است که حدود ۴۰ هزار نفر جمعیت دارد و قبلاً با معادن ذغال سنگش معروف بود. آن زمان بسیاری از مردم این منطقه با کار کردن در این معدن گذران زندگی می‌کردند اما سال ۱۹۹۸ میلادی ذخایر ذغال سنگ در این معدن به پایان رسید و حضور شرکت‌ها در آن دیگر صرفه اقتصادی نداشت و به همین دلیل این معدن تعطیل شد و این در حالی بود که شمار زیادی از مردم این منطقه بیکار و خواستار یک جایگزین اقتصادی برای اشتغال خود بودند.
اواخر سال ۲۰۱۷ دوبرادر که تلاش می‌کردند از یک چاه و تونل، ذغال سنگ استخراج کنند، جان باختند و پس از آن نیز یک نفر دیگر به دلیل شرایط بد این معدن، جان باخت و این سرآغاز اعتراض‌های مردمی شد. معترضان از دولت خواستند با توجه به تعطیلی این معدن که طی چندین دهه منبع رزق مردم بود، شغل ایجاد کند. مردم این منطقه می گویند ده‌ها نفر در این معدن جان باخته‌اند اما همچنان عده‌ای برای گذران زندگی جان خود را به خطر می‌اندازند و داخل این معدن می‌روند.
مردم این منطقه بارها راهپیمایی برگزار کرده و خواستار توجه دولت به وضعیت معیشتی خود شده‌اند. گفته می‌شود در راهپیماهای اخیر بین پنج تا هفت هزار نفر شرکت کردند. آتش این اعتراض‌ها با وجود گذشت چندین ماه هنوز خاموش نشده است و هر از چندگاهی مردم دست به راهپیمایی می‌زنند و از سوی دیگر شماری از مردم منطقه نیز به اتهام‌های مختلف بازداشت شده‌اند.
از سوی دیگر شهر «زاکوره» بزرگ‌ترین شهر جنوب مغرب از ماه اکتبر سال ۲۰۱۷ با بحران کم آبی مواجه شد و این باعث شد ساکنان این شهر در اعتراض به قطعی پیاپی آب راهپیمایی‌ای تحت عنوان «تشنگی» به راه بیندازند.
«محمد ظریف» کارشناس سیاسی مغربی گفت، مغرب طی ۱۰ سال اخیر با اعتراض‌های مشابهی در مناطق به حاشیه رانده شده روبرو بوده است. سال ۲۰۰۷ در شهر «صفرو» واقع در مرکز این کشور مردم در اعتراض به افزایش قیمت کالاها تظاهرات برگزار کردند و بین سال‌های ۲۰۰۵ تا ۲۰۰۹ نیز مردم دست به تحرکاتی در «سیدی افنی» در جنوب و «بوعرفه» در شرق مغرب زدند و شهر «تازه» در مرکز این کشور نیز در سال ۲۰۱۲ شاهد برگزاری تظاهرات مشابهی بود.

معترضان بر مسالمت آمیز بودن راهپیمایی‌های خود تاکید دارند

ویژگی بارز اعتراض‌های مردمی در مغرب این است که این اعتراض‌ها عموماً مسالمت آمیز و به دور از خشونت است و برخی علت آن را فعالیت فارغ التحصیلان بیکار دانشگاه‌ها در آن می‌دانند و می گویند برخلاف تظاهرات و اعتراض‌های دهه هشتاد قرن گذشته، این تظاهرات مسالمت آمیز است و شاید دست اندرکاران این اعتراض‌ها می‌خواهند نیروهای امنیتی بهانه‌ای برای سرکوب آن ها نداشته باشند و به همین دلیل سعی می‌کنند از هرگونه خشونت اجتناب کنند.

دیده بان حقوق بشر مغرب را به سرکوب معترضان متهم می‌کند

باوجود مسالمت آمیز بودن این راهپیمایی‌ها، دیده‌بان حقوق بشر اعلام کرده است پلیس مغرب، اعتراض‌های مردم در ماه مارس ۲۰۱۸ را در شهر جراده سرکوب کرد و برای متفرق کردن مردم به خشونت مفرط دست زد و در جریان آن یک نوجوان ۱۶ ساله را توسط خودرو زیر گرفت و رهبران این اعتراض‌ها را بازداشت کرد. دیده بان حقوق بشر افزود، پلیس مغرب در سال ۲۰۱۶ تا ۲۰۱۷ نیز با معترضان در منطقه ریف همین برخورد را داشت.

تنش وارد می‌شوند همان‌هایی نیستند که بر موج تغییرات سوار می‌شوند.
شاید مصر سال ۲۰۱۱ بهترین نمونه این ادعا باشد. آن سال برای خیلی‌ها این سؤال مطرح بود که چرا وقتی نیروهای سکولار و فعالان مدنی با آن شدت مطالبه، وارد میدان التحریر قاهره شدند، هنوز اخوان المسلمین در برگزاری تظاهرات خیابانی مردد بود، اما یک سال بعد، این اخوان المسلمین بود که حکومت مصر را در دست داشت هر چند دولتش مستعجل ماند.
اردن هم از این قاعده مبرا نیست. در همین دو هفته اخیر، اخوان المسلمین اردن و حزب «جبهه عمل اسلامی» سر از لاک سکوت درآورد و بیانیه‌هایی در حمایت از تجمعات خیابانی و در رد سیاست‌های ریاضتی اخیر دولت مستعفی اردن صادر کرد. این را هم نباید فراموش کرد که دوره جدید منطقه، می‌تواند عصر احیای اخوان المسلمین و بازخوانی از تجربه شکست‌های اخیر باشد به ویژه اینکه اخوان المسلمین، حالا عمق استراتژیک خود را هزاران کیلومتر دورتر از پایتخت‌های عربی در مالزی ماهاتیر محمد می‌بیند.
پیروزی النهضه تونس در انتخابات شهرداری‌های این کشور دلیل دیگری بر آسیب شناسی این جماعت بین المللی برای ورود دوباره به عرصه ترسیم سیاست‌های منطقه‌ای است. این همان تهدیدی است که می‌تواند بعد از بی ثباتی در اردن دامن سایر کشورهای منطقه اعم از جمهوری‌های نظامی یا پادشاهی‌های مشابه اردن را بگیرد و همه اینها یعنی اینکه، حتی در خوشبینانه ترین حالت، اردن نه تنها لقمه‌ای نخواهد بود که از گلوی شاهزادگان سعودی و شیوخ اماراتی خلیج فارس پایین برود، بلکه سقوط آن، می‌تواند تهدیدی هم برای موجودیتشان نیز باشد. اما اگر امان در برابر همه این فشارها دوام بیاورد چه؟ اگر مانند محاصره قطر، یک سال بگذرد و شیخ نشین های خلیج فارس، بعد از خوابی نیمروزی، گوشه عگال خود را کنار بزنند و اردنی قوی‌تر از همیشه مقابل چشمان خود ببینند، چه سناریوهایی انتظارشان را خواهد کشید؟ عربستان می‌تواند چوب حراج بر قدس به حساب اردن هاشمی بزند، اما بعد از خیانت ریاض به امان، تکلیف تاریخی چشم پوشی خاندان هاشمی از تولیت مکه و مدینه در قبال اخذ تولیت قدس چه خواهد شد؟ ائتلاف‌های منطقه‌ای چه مختصات جدیدی خواهد یافت؟

ریشه‌های ناآرامی در اردن

کشور پادشاهی اردن هاشمی از پنج روز پیش شاهد موجی از ناآرامی‌ها و اعتصاب عمومی در بخش‌های مختلف در اعتراض به تصمیم دولت برای افزایش قیمت سوخت و دریافت مالیات بر درآمد است.
این ناآرامی‌ها با اعتصاب محدود کارمندان بخش دولتی و خصوصی آغاز شد و با وجود دستور شاه اردن مبنی بر لغو افزایش قیمت سوخت تظاهرات مردم این کشور در مخالفت با تصمیم‌های اقتصادی کابینه همچنان ادامه دارد و هر روز بر دامنه آن افزوده می‌شود و حتی گزارش‌هایی از ناآرامی‌ها در دیگر استان‌های این کشور منتشر شده است.
اردن با ۸۹ هزار و ۳۴۲ کیلومتر مربع مساحت و ۱۰ میلیون نفر جمعیت در ۱۲ استان مختلف تقسیم شده است.
در تعرفه جدید دولت اردن درباره حامل‌های انرژی، ۵ درصد افزایش قیمت برای بنزین و سه درصد افزایش قیمت برای گازوئیل و گاز در نظر گرفته بود و دولت این کشور به نخست وزیری هانی الملقی برنامه‌هایی نیز برای دریافت مالیات بر درآمد مردم داشت و با تنظیم لایحه جدید مالیات بر درآمد آن را برای تصویب به مجلس ارسال کرده بود.
اتخاذ سیاست‌های مزبور در راستای درخواست صندوق بین المللی پول و به خاطر مشکلات اقتصادی در اردن صورت می‌گیرد تا جایی که دولت این کشور بدون توجه به برخی هشدارها از سوی تشکل‌های مختلف در این کشور از ابتدای سال ۲۰۱۸ نیز بهای نان و مالیات بر بسیاری از مواد غذایی را افزایش داد که همین امر هم در آن زمان منجر به ناآرامی‌هایی در برخی مناطق اردن شد.
این کشور در حال حاضر از نظر اقتصادی فاقد منابع درآمدی ثابت مانند نفت و گاز است و بخشی از درآمدهای آن از راه سنگ‌های معدنی، ترانزیت کالا از بندر عقبه، عبور خط لوله گاز، گردشگری و دریافت کمک‌های اقتصادی از سوی کشورهایی مانند امریکا و اتحادیه اروپا و برخی کشورهای عربی تأمین می‌شود.
در ارتباط با ترانزیت کالا و صادرات از طریق سوریه به خاطر بحران هشت ساله در این کشور و بسته شدن گذرگاه مرزی با سوریه درآمد اردن از این بخش قطع شده است و تلاش‌های زیادی برای از سرگیری آن با اعزام هیات های تجاری به دمشق در دست پیگیری است. در یک نگاه کلی باید گفت که اقتصاد اردن با ۱۲,۳ درصد نرخ بیکاری بر سه پایه کشاورزی (۴ درصد)، صنعت (۳۰ درصد) و خدمات (۶۶ درصد) استوار است و تولید ناخالص داخلی این کشور در سال ۲۰۱۵ میلادی رقمی معادل ۳۷ میلیارد و ۵۲ میلیون دلار اعلام شده است.
در همین حال باید در نظر داشت که اردن عضو سازمان تجارت جهانی است و همین امر موجب شده است تا قیمت کالاها در این کشور مطابق استانداردهای جهانی باشد و از این نظر امان پایتخت اردن یکی از گران‌ترین شهرهای عربی از نظر هزینه‌های زندگی است و بر اساس برخی گزارش‌ها از این نظر در جهان نیز در رده ۲۸ قرار دارد. علاوه بر این بر اساس گزارش‌های موجود مجموع وام‌هایی دریافتی اردن از موسسه‌های مالی مختلف در جهان از ۳۵ میلیارد دلار فراتر رفته است و اکنون برخی تحولات در منطقه غرب آسیا مانند بحران در سوریه موجب شده است تا بخشی از آوارگان سوری نیز که بین ۵۰۰ تا یک میلیون نفر برآورد می‌شود، وارد اردن شده و از نظر امنیتی، اشتغال، سلامت، بهداشت، هزینه و آموزش مشکلاتی را به این کشور تحمیل کرده است.
بی دلیل نیست که دولتمردان اردنی در ماه‌های اخیر تلاش‌های زیادی را برای حل بحران در مرزهای جنوبی سوریه بعمل می‌آورند تا مقدمات بازگشت این آوارگان را به کشورهای خود که به منزله بمب ساعتی هر لحظه ممکن است به خاطر مشکلات موجود در اردوگاه الرکبان منفجر شود، جلوگیری کنند و چنین دیدگاهی را مقام‌های اردن به مناسبت‌های مختلف بر زبان جاری می‌کنند.
با اوج گیری ناآرامی‌های اخیر در اردن که موجب دستگیری و مجروح شدن برخی از معترضان در جریان سرکوب نیروهای پلیس و امنیتی شده است و تاکنون آماری در ارتباط با آن منتشر نشده، شعارهای تظاهرکنندگان از روز جمعه گذشته از موضوع اقتصادی، درخواست لغو افزایش قیمت سوخت و مالیات و کناره گیری دولت خارج و اکنون آنان خواستار انحلال پارلمان و سرنگونی نظام پادشاهی در این کشور شده و شعارهایی نیز علیه آن سرداده اند. افزایش دامنه اعتراض‌ها و اعتصاب‌ها در اردن بنا به درخواست برخی سندیکاهای این کشور در حالی صورت می‌گیرد که دولت اردن هشدار داده که احکام خدمات مدنی را که کارمندان بخش دولتی را از انجام اعتصاب در ساعات اداری باز می‌دارد، اجرا خواهد کرد.
نوفان العجارمه رییس دیوان قانونگذاری اردن نیز پیرو تهدید اعتصاب کنندگان از سوی دولت آن را ممنوع اعلام کرده و نسبت به توبیخ کارمندانی که دست از کار بکشند، هشدار داده است اما کارمندان بدون توجه به این موضوع به اعتراض‌های خود ادامه می‌دهند.
ناآرامی‌ها در اردن اگر چه ابعاد اقتصاد دارد ولی باید در نظر داشت که با توجه به برخی تحولات سیاسی در منطقه می‌تواند ناشی از ناخرسندی و سرخوردگی مردم این کشور نیز باشد. در این ارتباط باید در نظر داشت که ۷۰ درصد از جمعیت ۱۰ میلیون نفری اردن را فلسطینی‌ها تشکیل می‌دهند و بخش زیادی از جمعیت اردن به خاطر تحولات در قدس و انتقال سفارت امریکا به این شهر اشغالی و مقدس بشدت ناخرسند و خشمگین هستند و هر اقدام می‌تواند خشم آنان را به مراتب افزایش دهد. علاوه براین باید در نظر داشت که مردم اردن از یک موضوع تاریخی نیز رنج می‌برند و آن اعتراض‌ها در دوران بیداری اسلامی در کشورهای منطقه است که با وجود برخی تحرکات در اردن سرکوب شد و همچنان عقده‌های درونی برای مردم این کشور به شمار می‌رود.
اکنون با توجه به موقعیت سیاسی اردن در بین کشورهای منطقه به خاطر مجاورت با رژیم صهیونیستی می‌توان پیش بینی کرد که در صورت ادامه اعتراض‌ها و اعتصاب‌ها در این کشور با توجه به اقتصاد شکننده در برابر هر حرکتی می‌تواند دامنه آن به سرعت سراسر این کشور را در بر گرفته تا جایی که دامنه آن غیرقابل پیش بینی باشد و روی همین ملاحظه بی دلیل نیست که این روزها برخی رسانه‌های غربی - عبری و عربی تمایل ندارند تا اخبار ناآرامی‌ها در اردن را مانند برخی تحولات دیگر منطقه به صورت گسترده و سریع منتشر کنند.

اعتماد نیاز دولت و ملت

جامعه مدنی در توسعه پایدار

تلنگر

ضعف جامعه مدنی و نبود احزاب قوی و قدرتمند، فضا را برای افراد و جریان‌هایی فراهم می‌کند که با سوار شدن بر موج شکاف‌ها و نارضایتی‌های مردم و طرح شعارهای عوام فریبانه، تیشه به ریشه دموکراسی و نهادهای برخاسته از آن می‌زنند.

با روی کارآمدن دولت اعتدال گرا بار دیگر طبقه متوسط به جایگاه واقعی خود نزدیک شد. این در حالی بود که طبقه متوسط دچار ضعف و تنزل شده و از جایگاه واقعی خود دور شده بود. با این حال به نظر می‌رسد دولت باید عزم خود را برای تقویت هر چه بیشتر طبقه متوسط جزم کند تا این طبقه از نقش حاشیه‌ای خارج شود؛ زیرا طبقه متوسط پیشران توسعه جوامع بوده و نقش بی بدیلی در پویایی جامعه مدنی دارد.

به باور تحلیلگران، بهشت تفکرهای عوامگرایانه یا پوپولیستی جایی است که جامعه مدنی و احزاب شکل و انسجام پیدا نکرده‌اند یا ضعیف هستند. در واقع نگرش‌های عوامگرایانه زمانی شکل می‌گیرد که امکان خردورزی در جامعه مسدود یا اندک شده باشد و امکان بروز احساسات، عواطف، قراین و منافع آنی شدت یافته و جامعه دچار نوعی نابسامانی باشد.

در چنین شرایطی است که به جای حل و فصل مشکلات و ارائه راهکار، تنها ایجاد شبهه و کوبیدن بر طبل ناامیدی، میدان دار عرصه اجتماعی و سیاسی می‌شود. در این میان شبکه‌های اجتماعی نیز به دلیل گسترده بودن اطلاعات و مشخص نبودن صحت و سقم برخی اخبار و مطالب فضای مناسبی را برای عوامگرایان فراهم ساخته و آن ها با استفاده از این شبکه‌ها سعی می‌کنند افکار عمومی را به سمت خود بکشانند.

پربیراه نیست اگر بگوییم در چنین شرایطی تقویت و بسط جامعه مدنی می‌تواند تا حدودی جامعه را از افتادن در دام عوامگرایان بازدارد. مشارکت سیاسی و اجتماعی بالای توده‌های مردم، بالا بودن فهم و شعور سیاسی جامعه، قانونمداری، تحرک سیاسی و اجتماعی، وجود فضای باز سیاسی، عدم تمر کز قدرت، نقد پذیری منابع قدرت، رقابت سیاسی سالم، وجود فضای دمکراتیک و تکثر گرائی از مؤلفه‌های جامعه مدنی هستند. همانگونه که پیشتر گفته شد شکل گیری این خصایص مستلزم ایجاد بسترهای مناسب در جامعه است.

همچنین تقویت جامعه مدنی، پاسخگویی را به امری متداول مبدل می‌سازد؛ به این معنی که افراد و جریان‌های سیاسی به دلیل حس نظارتی که بر رفتار و رویکردهای آنان وجود دارد، سعی می کنند که به سمت فساد گرایش پیدا نکنند. بنابر این تقویت جامعه مدنی جایگاه برجسته‌ای در فسادزدایی در جوامع بشری دارد.

توجه به این نکته ضروری است که پایگاه اصلی جامعه مدنی در میان طبقه متوسط است؛ زمانی که طبقه متوسط به دلایل اقتصادی و سیاسی آسیب‌پذیر یا خیلی ضعیف می‌شود، آن گاه ریزش و گرایش آن به سمت رویکردهای عوامگرایانه بیشتر می‌شود. تقویت طبقه متوسط به عنوان موتور توسعه می‌تواند مانع افتادن جامعه دردام عوامگرایی شود. طبقه متوسط نقشی سازنده، آگاهی بخش و متعادل کننده دارد. در این میان نخبگان جامعه نیز بیشتر در لایه‌های مختلف طبقه متوسط کارویژه مهمی دارند. بدون توجه به نقش این طبقه توسعه نه شدنی است و نه اثر گذار.

البته یکی از اصلی‌ترین آسیب‌های نهادهای مدنی در جامعه ما این است که هر چند شکل می‌گیرند، اما همچنان نابالغ و به صورت توده وار و بدون سازمان و به شکل ژله‌ای باقی می‌مانند. دولت بنیادبودن از دیگر آسیب‌هایی است که برخی نهادهای مدنی به آن مبتلابه شده‌اند. از طرفی دیگر نیز کوتاه مدت بودن جامعه، پایین بودن سطح تحمل، مدارا و گفت وگو خود عاملی برای گسترش نیافتن جامعه مدنی در ایران است. تجربه ثابت کرده که در صورت وجود نهادهای مدنی نحیف و اثر اندک نهادهای نظارتی در کوتاه مدت اعتماد عمومی کاهش یافته و در بلند مدت بر کارایی نظام‌های اداری، مشروعیت نظام سیاسی و مطلوبیت نظام فرهنگی و اجتماعی اثرهای نابهنجاری برجای گذاشته و در نهایت جامعه را به سمت افول خواهد کشاند.

از آن جایی طبقه متوسط پرچمدار عقلانیت و اعتدال در جامعه است و بار توسعه بیشتر بر عهده این طبقه است، گریزی جز تقویت طبقه متوسط و جامعه مدنی نداریم.

پیوند سرمایه اجتماعی و اعتماد عمومی

گسترش اعتماد عمومی در سایه توجه به سرمایه‌های اجتماعی، همدلی و مسئولیت پذیری اجتماعی را به همراه می‌آورد. در مقابل بی اعتمادی در جامعه منجر به تضعیف تعهد اجتماعی و کمرنگ شدن هویت اجتماعی و ملی می‌شود.

برخی رخدادها موجب کاهش اعتماد در فضای عمومی جامعه می‌شود. این بی اعتمادی در تنگناهای معیشتی، نوسان‌ها و افزایش نابسامانی‌های فرهنگی و اجتماعی و حتی برخی بی اخلاقی‌های سیاسی را در جامعه تشدید می‌کند و شهروندان را به سمت منافع فردی سوق می‌دهد.

بر این اساس به نظر می‌رسد توجه به سرمایه‌های اجتماعی و تقویت اعتماد مساله ای مهم است؛ زیرا کم توجهی و بی توجهی به نقش سرمایه‌های اجتماعی و اعتماد عمومی جامعه را دچار زوال می‌سازد.

حجت الاسلام حسن روحانی شامگاه چهارشنبه ۹ خردادماه در دیدار با اهالی فرهنگ و هنر استفاده از قدرت فرهنگ، زبان هنر و هماهنگی و همصدایی را زمینه ساز پیروزی مردم دانست و با بیان اینکه اصحاب فرهنگ با زبان هنر و قلم، واقعیت‌ها را برای مردم تبیین می‌کنند، تاکید کرد: امروز به سرمایه اجتماعی، اعتماد بیشتر به یکدیگر و امید به آینده ایران نیاز داریم.

در این زمینه به ذکر چند نکته می‌پردازیم؛

۱- سرمایه اجتماعی به پیوندها و ارتباطاتِ میان افراد جامعه به عنوان منبع باارزشی اشاره دارد که با خلق هنجارها و اعتماد متقابل، موجب تحقّق اهداف جامعه می‌شوند. شناخت سرمایه‌های اجتماعی در بخش‌های گوناگون و نحوه بهره برداری از آن ها، وظیفه‌ای است که باید مسئولان و مدیران جامعه با تلاشی بیشتر، به آن بپردازند و دلایل متروک ماندن بعضی از سرمایه‌های اجتماعی را بیابند و سعی در گسترش، حفظ و توسعه آن داشته باشند.

سرمایه اجتماعی زیربنای توسعه فرهنگی، سیاسی، اجتماعی و اقتصادی هر جامعه است و منبع شکل گیری اساسی گروه‌های اجتماعی محسوب می‌شود؛ گروه‌هایی که توسعه هر جامعه به آنان وابسته است.

به باور صاحبنظران اهمیّت سرمایه اجتماعی در توسعه اقتصادی در یک جامعه تا اندازه‌ای است که می‌توان آن را در شکوفایی اقتصاد تمام جوامع توسعه یافته به طور آشکاری مشاهده کرد. در واقع سرمایه‌های اجتماعی در اقتصاد هر کشوری نقش مهمی در اعتمادپذیری میان نیروهای انسانی برای رسیدن به اهداف

پیش بینی

حیدرعلی عابدی، نماینده اصفهان در مجلس دهم:

نابودی ۲۰۰ روستا در شرق اصفهان به خاطر کم آبی

اشاره: علیرغم راهپیمایی‌های اعتراضی فرودین‌ماه کشاورزان استان اصفهان همچنان اخبار خوبی از رفع مشکلات و بهبود شرایط این قشر به گوش نمی‌رسد. حتی در این بین گزارش شده که این بحران به زندگی مردم اصفهان هم سرایت کرده و کمبود آب در برخی محله‌ها باعث نارضایتی ساکنان شده است و به نظر می‌رسد صدای این اعتراض و بحران به درستی به گوش مسئولان و تصمیم‌گیران این حوزه نرسیده است.

سوءمدیریت در مدیریت آب بیداد می‌کند

حیدرعلی عابدی، نماینده اصفهان درباره بحران آب در استان اصفهان، گفت: بحران آب در صدر مشکلات استان اصفهان است و باید گفت ما در استان با کمبود آب مواجه نیستیم بلکه سوءمدیریت در این بخش بیداد می‌کند. مسئولان در این خصوص دچار غفلت شده‌اند. ما از اینکه دولت به این موضوع اساسی بی‌توجه است و اصفهان را فراموش کرده، نگرانیم. انتظار ما از وزرای نیرو، جهادکشاورزی و کشور به مراتب بیش از این است. متاسفانه سیستم قضایی کشور هم در این زمینه و آن‌طور که باید و شاید به وظیفه خود عمل نکرده است. استان اصفهان در موضوع بحران آب، قربانی غفلت‌ها شده است. امروز اگر اصفهان آب نداشته باشد صنعت، کشاورزی و حتی زندگی مردم با تهدیدات جدی روبرو می‌شود.

۲۰۰ روستا در شرق اصفهان در حال نابودی است

وی افزود: نزدیک به ۱۲ سال است که کشاورزان استان اصفهان نتوانستند بطور مدوام و مستمر آب کشاورزی خود را تهیه کنند. فقط در شرق استان اصفهان ۲۰۰ روستا در حال نابودی است. در غرب و مخصوصاً شمال استان اصفهان، شهرستان گل خار به شدت از بحران آب رنج می‌برد. شهرستان‌های میمه و شاهین‌شهر هم اوضاع و احوال خوبی ندارند و با سخت با این مشکل دست و پنجه نرم می‌کنند.

برداشت غیرقانونی از آب، باعث خشکسالی شده است

عابدی با اشاره به سوءمدیریت‌ها، متذکر شد: آب از تونل اول کوهرنگ حرکت می‌کند تا به سد برسد و آنگاه سد باز می‌شود و به شهر سامان شهرکرد می‌رسد و از آنجا به سمت پل‌کله می‌رود از پل‌کله به بعد، آب نابود می‌شود و آبی نیست و خشکسالی رخ می‌دهد، چون برداشت‌های زیاد و متعددی دارد از روی رودخانه انجام می‌شود. امروز بصورت غیرقانونی لوله گذاشتند و آب را به کوه‌ها می‌برند.

وزارت نیرو، وزارت کشور و دادستانی اقدامی نمی‌کنند

وی ادامه داد: وزارت نیرو معتقد است که وزارت کشور باید موضوع را پیگیری کند و وزارت کشور هم می‌گوید دادستانی همکاری نمی‌کند و از طرفی دادستانی هم می‌گوید شکایتی به ما نرسیده است. از سمت دیگر جهادکشاورزی هم با افرادی که بطور غیرقانونی برای خود باغ ایجاد کردند مخالفت نکرده و امروز شاهدیم که هرج و مرج وسیعی در برداشت‌های آب زاینده رود داده است. مردم اصفهان کاملا متوجه شده‌اند که حق‌آبه آن ها را افراد دیگری می‌برند و هیچکس هم جلودار متخلفان نیست. همین بی‌توجهی، سوءمدیریت و برخورد نکردن با متخلفان باعث شده صنعت و کشاورزی استان اصفهان در شرف نابودی باشد. در حال حاضر نزدیک به سه هفته است که بیشتر محله‌های اصفهان دچار کمبود آب شدند. به نظر با این شرایط، مردم اصفهان به زودی روی به مهاجرت خواهند آورد.

ممکن است مردم اصفهان به اعتراضات کشاورزان بپیوندند

نماینده اصفهان در خصوص خطر از سرگیری اعتراضات، گفت: اگر اعتراضات دوباره بوقوع بپیوندد شکل وسیع‌تری به خود می‌گیرد زیرا قبلاً فقط کشاورزان معترض بودند و اکنون مردم اصفهان هم از این شرایط به شدت ناراضی هستند. وی در پایان خاطرنشان کرد: مسئولان همچنان بحران آب و مخصوصاً بحران امنیتی حاصل از این رخداد را حس نکردند، شاید روی کاغذ درک کرده باشند اما در عمل، اصلاً. متاسفانه تصمیم‌گیران این امر حرف‌های خوبی می‌زنند و صورت‌جلسه‌هایی را هم ترتیب می‌دهند ولی در میدان عمل خبری نیست.

منبع: رویداد۲۴

اقتصادی جامعه دارد.
۲- اعتماد عمومی، حس پذیرش سیاسی و اجتماعی در جامعه را افزایش می‌دهد که همین جامعه پذیری سیاسی نوید بخش مشارکت حداکثری می‌شود؛ افزایش مشارکتی که فضایی سرشار از همدلی و نشاط را به بار می‌آورد. از این رو یکی از عوامل ایجاد اعتماد، گستراندن دامنه اعتماد سیاسی است. به عبارتی دقیق‌تر اعتماد عمومی از سرمایه‌های راهبردی هر نظام سیاسی است؛ بر این اساس، یکی از چالش‌های عمده فراروی دولت‌ها، «مدیریت اعتماد عمومی» است.
در واقع اعتماد مهمترین انگیزه‌ای است که افراد را به داشتن ارتباطات دوسویه یا چندسویه تشویق می‌کنند. انسان‌ها به همدیگر اعتماد می‌کنند تا ارتباط برقرار کنند و به این باور برسند که بدون همکاری، مشارکت و همفکری کاری از پیش نخواهند برد. بسیاری از متفکران، اعتماد را حسی می‌دانند که منجر به تعاون و همکاری می‌شود و فقط در این صورت است که انسان‌ها در عین داشتن تفاوت‌ها، قادر به حل مشکلات خواهند بود.
۳- از اصلی‌ترین زمینه‌های ایجاد و انباشت اعتماد عمومی، توجه به سرمایه‌های اجتماعی است. از این رو گسترش اعتماد عمومی در سایه توجه به سرمایه‌های اجتماعی، همدلی و مسئولیت پذیری اجتماعی را به همراه می‌آورد. در مقابل بی اعتمادی در جامعه منجر به تضعیف تعهد اجتماعی و کمرنگ شدن هویت اجتماعی و ملی می‌شود. همچنین، این بی اعتمادی به سطح روابط میان فردی کشیده شده و نتیجه‌ای جز، کوچک شدن روابط بین شهروندی و در نهایت انزوای اجتماعی ندارد.
تحقیقات جامعه شناسان حاکی از آن است که اگر زمانی اعتماد اجتماعی تحت تأثیر عوامل مختلف دچار فرسایش شود، نظم و انسجام اجتماعی نیز با چالش‌هایی مواجه می‌شود.
۴- تجربه ثابت کرده کشورهایی که سیاست اجتماعی را به طور جدی در دستور کار خود قرار داده‌اند، مسیر توسعه را هموار کرده و از سرمایه‌های اجتماعی خوبی برخوردارند. بر این اساس نظام‌های سیاسی می‌کوشند تا با برآورده ساختن مطالبات بخش‌های مختلف جامعه بر مقبولیت خود افزوده و پایه‌های مشروعیت خود را تقویت کنند؛ زیرا نادیده گرفتن مشکلات به حق و درست بخشی از جامعه در کوتاه مدت از اعتماد عمومی کاسته و در بلند مدت بر کارایی نظام‌های اداری، مشروعیت نظام سیاسی و مطلوبیت نظام فرهنگی و اجتماعی اثرهای نابهنجاری بر جای گذاشته و در نهایت جامعه را به سمت افول خواهد کشاند.
۵- بهبود شرایط اقتصادی و رفاهی خانواده‌ها، اعمال سیاست‌های اجتماعی و اقتصادی سازنده، تاکید بر ضرورت استقرار رویکرد مدیریت مشارکتی در سازمان‌ها و نهادها برای ایجاد ضرورت‌های نهادی توجه به آرای عمومی و رضایت افراد جامعه، کاهش تصدی گری دولتی، طراحی منشور سرمایه اجتماعی، فراهم کردن فرصت توسعه فعالیت‌های مدنی، افزایش نظارت و کنترل بر عملکرد نهادها برای ممانعت از شکل گیری فساد از جمله اقداماتی است که می‌توانند سرمایه‌های اجتماعی را به لحاظ فردی و اجتماعی بهبود بخشند.
۶-همانگونه که رییس جمهوری یادآور شد استفاده از قدرتِ فرهنگ، زبانِ هنر و هماهنگی و همصدایی می‌تواند نقش برجسته‌ای در اعتمادافزایی و امید به آینده ایفا کند.

بر این اساس به نظر می‌رسد هنرمندان، نخبگان و روشنفکران می‌توانند در تقویت اعتماد و همدلی اجتماعی رویکرد سازنده‌ای داشته باشند. اگر هنرمندان و روشنفکران بتوانند با شناخت جامعه غیاب خود را آسیب شناسی کنند و به جامعه بازگردند می‌توان امیدوار بود که شاهد تقویت سرمایه‌های اجتماعی باشیم. از آنجایی که حضور سازنده هنرمندان و روشنفکران و نقش فرهنگی و اجتماعی آنان می‌تواند تصمیم گیری و تصمیم سازی را تسهیل کند، ساختار نیز باید جایگاه آنان را جدی بگیرد.

بی‌اعتمادی چرا؟

«اعتماد» اصلی‌ترین بنیان شکل گیری پیوندهای فردی و اجتماعی در هر جامعه‌ای به شمار می‌رود. رابطه دو سویه‌ای که اگر در آن رگه‌های اطمینان جریان نداشته باشد، کم دوام بوده و با فراز و نشیب‌های فراوان به پیش خواهد رفت.
پیش‌ترها وعده و سخن یک بازاری یا معتمد محل سند محکمی بود که بسیاری بر آن تکیه کرده و امور اقتصادی یا معنوی خود را به پیش می‌بردند. موضوعی که اکنون کمتر با آن روبه رو می‌شویم. روابط اجتماعی، شغلی، خانوادگی یا دوستانه چنان به سوی بی اعتمادی سوق یافته است که حتی در روابط با نزدیکان درجه یک نیز شکاف اعتماد به روشنی به چشم می‌خورد چه رسد به روابط در دایره دوستان و آشنایان. به راستی چه بر سر اعتماد و باورمندی ایرانیان آمده است؟ چرا دیگر مشتری سخن و قسم فروشنده را باور نمی‌کند؟ چرا برادر نمی‌تواند به برادر خود در یک معامله اقتصادی اعتماد کند؟ عامل نزول اعتماد در روابط عمومی و افقی در جامعه چیست؟ چرا میزان اعتماد مردم به وعده مسئولان یا نمایندگان خود کاهش یافته است؟
اعتماد عمومی به عنوان اصلی‌ترین سرمایه‌های اجتماعی، جامعه را در مسیر توسعه یافتگی قرار می‌دهد به گونه‌ای که رشد مفاهیمی چون امید، مشارکت و رضایت مندی، فضای سالم‌تر و پویاتری را در جامعه برقرار خواهد ساخت.
بنابر اذعان جامعه شناسان و روانشناسان و پژوهش‌های صورت گرفته اوضاع اعتماد عمومی در جامعه چندان مطلوب نیست. نگاهی به روابط اطراف خود به خوبی این ادعا را ثابت می‌کند. نزول سرمایه‌ای به نام اعتماد عمومی هزینه‌های اجتماعی، فرهنگی و حتی اقتصادی به جامعه ایران تحمیل کرده است به گونه‌ای که برای انجام فعالیت ساده‌ای که پیشترها بر پایه قول و کلام صورت می‌پذیرفت باید ضمانت‌های اجرایی، وثیقه و قراردادهای قانونی محکمی ارائه شود. از هم گیسختگی روابط اجتماعی، رشد فردیت، انزواطلبی، افسردگی، غلبه ابهام و تردید بر پیوندهای اجتماعی و فردی و بسیاری عادت‌های ناپسند دیگر از پیامدهای کاهش اعتماد در جامعه به شمار می‌رود.
اعتماد دارای ابعاد گوناگونی است؛ اعتماد مردم به یکدیگر، اعتماد مردم به حکومت و بالعکس، اعتماد نهادهای حکومتی به یکدیگر. خدشه در هر یک از آن ها، بر سایر بخش‌ها نیز اثرگذار خواهد بود. در جامعه‌ای که اعتماد مردم به مسئولان و حکومت در آن کم رنگ شود، نهادهای حقوقی و رسمی اثرگذاری خود را از دست خواهند داد و این بی اعتمادی مردم به مسئولان در رفتارهایی مانند فرارهای مالیاتی، دوری از انجام وظایف شهروندی، پرهیز از سرمایه گذاری‌های داخلی، مهاجرت، اخلاس، کاهش وحدت ملی، بی توجهی به مصالح جمعی و سقوط قانون مداری بروز می‌یابد.
کاهش اعتماد عمومی میان مردم نیز باعث رواج رفتارهایی چون دروغگویی، بی حرمتی، عدم تحمل دیگران، زورگویی، خودشیفتگی، خودنمایی، عدم تحمل دیگران یا کلاهبرداری های اقتصادی خواهد شد. به گفته جامعه شناسان، در این شرایط کنشگران اجتماعی به دلیل نبود اعتماد اجتماعی به یکدیگر آسیب رسانده و نظام اجتماعی و فرهنگی را به سوی تخریب هدایت می‌کنند. در همین شرایط میزان احترام، همبستگی و دگردوستی نسبت به اقلیت‌ها مانند بیماران، اقشار محروم و فقیر، افراد ناتوان با قابلیت‌های کمتر اجتماعی یا حتی اقلیت‌های نژادی، قومی و دینی رنگ می‌بازند و جای خود را به رفتارهایی چون توهین و خودبرتربینی خواهد داد.

اشاره

نتانیاهو؛ گرفتار در پیله خودبافته

سفر نخست وزیر رژیم صهیونیستی به اروپا چیزی جز بیان سخنان تکراری و کلیشه‌ای او علیه ایران همراه نداشت.
«بنیامین نتانیاهو» اخیرا به سه کشور آلمان، فرانسه و انگلیس سفر کرد. او در این سفر با «آنگلا مرکل» صدراعظم آلمان، «امانوئل مکرون» رییس جمهوری فرانسه و «ترزا می» نخست وزیر انگلیس دیدار کرد.
هدف از سفر نتانیاهو همانطور که خود گفته بود، ایران بود. او به دنبال جلب نظر رهبران اروپایی برای فشار به ایران بود.
اما سخنان و مواضع او در هر سه دیدار، چیز جدیدی با خود نداشت و همان تکرار حرف‌های قبل بود. سخنان نخست وزیر رژیم صهیونیستی را می‌توان به دو بخش تقسیم کرد. در بخش نخست او همان حرف همیشگی‌اش درباره برنامه اتمی ایران را تکرار کرد: «ایران به دنبال ساخت سلاح هسته‌ای است و باید جلوی آن را گرفت.»
او سال‌های سال است که این حرف را تکرار می‌کند و همیشه سعی داشته طرف‌های مختلف بویژه کشورهای غربی را در هراس قرار دهد. نتانیاهو اما هیچ مدرک و سندی را ارائه نمی‌دهد. آژانس بین المللی انرژی اتمی به عنوان مرجع اصلی تشخیص ماهیت برنامه‌های هسته‌ای کشورها، بارها و در طول سال‌های مختلف بر صلح آمیز بودن برنامه هسته‌ای ایران مهر تأیید زده است.
در طول سال‌های اخیر بویژه پس از برجام نیز نه تنها آژانس بلکه حتی کشورهای غربی که قبلاً ادعاهایی در این زمینه داشتند، تاکید کرده‌اند که ایران به همه تعهدات خود عمل کرده و برنامه هسته‌ای این کشور در اتاق شیشه‌ای قرار دارد و همه ابعاد آن شفاف است. هیچ یک از رهبران اروپایی در دیدار با نتانیاهو با ادعاهای او همراهی نکردند بلکه بار دیگر بر ضرورت حفظ برجام تاکید کردند. بنابراین به نظر می‌رسد نتانیاهو نتوانسته تغییری در موضع اروپایی‌ها درباره برجام و برنامه هسته‌ای ایران ایجاد کند.
اما بخش دوم سخنان نتانیاهو در سفر اروپایی خود باز هم تکرار مواضع پیشین او درباره نقش منطقه‌ای ایران است.
او مدعی است که ایران نقش غیرسازنده و بحران ساز در منطقه دارد. نتانیاهو برنامه دفاعی موشکی ایران را نیز در این چارچوب قرار می‌دهد و آن را نشانه‌ای از تهدیدزا بودن ایران می‌داند. البته به نظر می‌رسد در این موضوع اشتراک‌هایی بین مواضع او، آمریکا و رهبران اروپایی وجود داشته باشد.
سه رهبر اروپایی که نتانیاهو با آن ها دیدار کرد نیز ادعاهای مشابهی درباره نقش ایران در منطقه دارند. هرچند موضع آن ها تفاوت‌هایی با رویکرد نتانیاهو دارد.
در حالی که نتانیاهو موضعی سلبی و ستیزه جویانه در برابر سیاست منطقه‌ای ایران دارد، دست کم کشورهای اروپایی سخن از ضرورت مذاکره با ایران می‌زنند.
البته پرواضح است که چه سخنان نتانیاهو و چه رهبران اروپایی درباره غیرسازنده بودن سیاست منطقه‌ای ایران شعاری و بدون اتکا به واقعیت است.
آن ها به طور مشخص به نقش ایران در سوریه اشاره می‌کنند. حال آنکه اولا حضور ایران در سوریه با خواست دولت قانونی این کشور و ثانیاً با هدف مبارزه با گروه‌های تروریستی تکفیری بوده که سال‌هاست منطقه را به آتش کشیده‌اند.
حال آنکه رژیم صهیونیستی و آمریکا بارها دست به اقدامات تجاوزکارانه در سوریه زده و منبع تهدید بوده‌اند.
از سوی دیگر ایران نقش مهمی در مبارزه با گروه‌های تروریستی در عراق داشته است. در این کشور نیز نیروی نظامی ایران به درخواست دولت عراق به کمک نیروهای این کشور شتافت تا تهدید سیاه داعش زودتر از این کشور برچیده شود.
این در حالی است که رژیم صهیونیستی که نخست وزیرش ایران را به بی ثباتی در منطقه متهم می‌کند، خود بزرگترین تهدید در منطقه است.
اشغال سرزمین فلسطین، کشتار روزانه مردم فلسطین، تجاوز به سوریه و ضربه به زیرساخت‌های این کشور، تجاوز به حریم لبنان گوشه‌ای از سیاست‌های تهدیدزای صهیونیست‌ها در منطقه است.
فارغ از این‌ها تصور نتانیاهو از نوع برخورد با ایران با واقعیت‌ها نامنطبق است. این نگاه که ایران را که امروز تبدیل به یک قدرت منطقه‌ای تاثیرگذار در فرایندهای سیاسی و امنیتی شده، از معادلات حذف و آن را منزوی کرد با واقعیت‌ها ناسازگار است.
مشابه این رفتار تقابلی با ایران در دوره «جرج بوش» رییس جمهوری وقت آمریکا صورت گرفت. زمانی که ایران از نظر آمریکا جزو «محور شرارت» قرار گرفت اما رهاورد این نگاه آیا جز این بود که همان دولت جرج بوش در اواخر دوره خود ناگزیر به مذاکره با ایران درباره وضعیت عراق شد؟
البته ایران راه مذاکره در مسائل منطقه‌ای را نبسته است. ایران خود را در بافت منطقه می‌داند و همواره بر دیپلماسی و تعامل تاکید کرده است.
همین اواخر «عباس عراقچی» معاون وزیر خارجه ایران، از آمادگی تهران برای مذاکره در خصوص تحولات یمن خبر داد.
هرچند ایران بارها اعلام کرده که مذاکره را برای مذاکره نمی‌خواهد و اصل احترام متقابل و عمل به تعهدات مساله حیاتی برای مذاکره است.
موضوع برنامه موشکی البته جزو راهبرد دفاعی ایران و غیرقابل مذاکره است. چه اینکه اصل سوق پیداکردن ایران به سمت برنامه موشکی ناشی از تجربه تلخ ضعف بنیه دفاعی کشور در جنگ هشت ساله عراق علیه ایران بود.
در سال‌های اخیر حتی یکبار برنامه موشکی ایران منبع تهدید نبوده است. آنچه سال گذشته در جریان حمله موشکی ایران به داعش در سوریه صورت گرفت نیز در پاسخ عملیات تروریستی این گروه در تهران صورت گرفت.
نتیجه آنکه مواضع اخیر نتانیاهو در سفر به اروپا نشان داد که دیدگاه‌های ضدایرانی او همچون پیله‌ای است که او دور خود می‌دمد و مانع از درک واقعیت‌ها می‌شود.

آیت ماندگار

چهارفصل

- صاحب امتیاز و مدیرمسئول: محمد آیتی
- سردبیر: امیرحسین مصلی
- تلگرام: @ayatemandegar
- وب سایت: www.ayatemandegar.ir
- آدرس: تهران - خیابان سئول - کوچه ششم شرقی - پلاک ۲ - واحد۱
- تلفن: ۸۸۹۸۶۱۴۹
- چاپ: نقش افست گرافیک
- پست الکترونیک: ayatemandegar@yahoo.com

نشان ماندگار

صدملل ازملتی انگیخته‌ای، برحصارخودشبیخون ریخته‌ای

اقبال لاهوری

یادآوری

کمدی به مثابه سرگرمی

هومن نشائی

منتقد

ساختار «خجالت نکش» برای تمام مخاطبان آشنا به نظر می‌رسد. چون مشابهَ آن را دیده‌ایم که اصطلاحاً به آن «کمدی روستایی» گفته می‌شود. رضا مقصودی به دنبال سوژه‌ای تکراری نرفته است. معمولاً در چنین فیلم‌هایی عاشق شدن‌های عجیب و غریب و دعواهای پایین دستی‌ها و بالادستی‌ها سوژه اصلی فیلم است، اما خجالت نکش به دنبال روایتِ یک خانواده بی‌حاشیه در روستا بوده است. از آنجایی که خجالت نکش با کمدی‌های دیگر تفاوت زیادی دارد، ساختار کمدی‌های شهری در آن پیدا نمی‌شود. خجالت نکش چند نکته مثبت دارد که متاسفانه در فیلم‌های کمدی امروز کمتر دیده می‌شود. خجالت نکش به دنبال گرفتن خنده اضافی از مخاطب نیست. همین موجب شده تا به حد زیادی از لوده‌گری و لوس بازی فاصله بگیرد تا طنزِ تمیزتری داشته باشد. خجالت نکش یکَ روایتِ هدفمند دارد (جدا از خوب بودن یا بد بودن آن). وجود یک قصه منسجم که بتواند مخاطب را همراه کند از نکات مثبت این فیلم است. خجالت نکش از شوخی‌های سیاسی سوءاستفاده نمی‌کند و تبدیل به یک فیلم سیاسی نمی‌شود. از سیاست برای روایتَ قصه بهره می‌گیرد و از آن استفاده درست و بجا می‌کند. در نهایت خجالت نکش از شوخی‌های جنسی کمتر(!) استفاده می‌کند. با توجه به مضمونی که فیلم دارد شوخی‌های جنسی، گذری از فیلم دارند و نمی‌توان این فیلم را فیلمی کاملاً خانوادگی تلقی کرد، اما می‌توان گفت که این فیلم نسبت به کمدی‌های روز سینمای ایران، سالم‌تر است.

خجالت نکش از همان ابتدا، خود را بر فیلمنامه سوار می‌کند و با قصه منسجمی که دارد مخاطب را همراه می‌کند؛ اما یکی از بزرگترین ضعف‌هایی که این فیلمنامه دارد، قابل پیش بینی بودن آن است. مخاطب به راحتی می‌تواند حدس بزند که چالشِ بعدی‌ای که انتظار شخصیت‌ها را می‌کَشد چیست و این مسئله از جذابیت فیلم کم می‌کند. کمدیِ خجالت نکش، کمدیِ جدیدی نیست.

پس از تمام شدنِ فیلم شگفت زده نخواهید شد و حس می‌کنید این فیلم را قبلاً جایی دیده بودید. خجالت نکش صرفاً یک فیلم سرگرم کننده است. مخاطب یک ساعت و نیم با شخصیت‌ها همراه می‌شود و چالش‌هایشان را می‌بیند و بعد از حل شدن مشکلات از سالن سینما خارج می‌شود.

خجالت نکش از فرمول ساده‌ای استفاده می‌کند و مخاطب می‌داند که در انتها قرار نیست اتفاق عجیبی بیافتد و می‌داند که همه چیز به خوبی و خوشی تمام می‌شود. همین مسئله باعث می‌شود تا مخاطب به فیلم به عنوان یکی از وسایل شهر بازی نگاه کند که قرار است چند دقیقه با آن لذت ببرد و بعد، از آن خارج شود.

خجالت نکش یک فیلم سرگرم کننده است که برای اوقات فراغت ساخته شده است؛ اما فیلم، سریع فراموش می‌شود و بلندترین زمانی که به یاد مخاطب می‌ماند، همان زمانی است که در سالن نشسته است.

گالری

بدون شرح!

اکبر ترابپور
کارتونیست

یادواره

روزی که مردم به خشم آمدند

قیام پانزدهم خرداد

پس از انتشار خبر دستگیری امام (ره) در پانزدهم خرداد ۱۳۴۲، بسیاری از مردم قم، به منزل ایشان رفتند و به اتفاق فرزندشان، حاج آقا مصطفی، در حدود ساعت شش بامداد، به سمت حرم مطهر حضرت معصومه (س) حرکت کردند. پس از مدتی، صحن مطهر و خیابان‌های اطراف، لبریز از جمعیتی شد که شعار «یامرگ یا خمینی» را با هیجان شدیدی تکرار می‌کردند. در همان زمان، علما و مراجع وقت هم با صدور بیانیه‌هایی، خواستار آزادی فوری حضرت امام (ره) شدند.

در حدود ساعت ده صبح، با ورود نیروهای مسلح برای تقویت نیروهای شهربانی قم، تیراندازی و رگبار مسلسل‌ها شروع شد و تعداد زیادی از مردم زخمی شده یا به شهادت رسیدند. شدت تیراندازی به حدی بود که امکان انتقال زخمی‌ها و اجساد شهیدان نبود و این کشتار تا ساعت پنج عصر ادامه یافت.

حمام خون در تهران

درپانزدهم خرداد ۱۳۴۲، مردم تهران هم چون سایر شهرها، در اعتراض به دستگیری امام خمینی (ره) به خیابان‌ها ریختند و قیام خونین خویش را آغاز کردند. سیل خروشان کشاورزان غیور و کفن پوش ورامین، دهقانان کن و نیز مردم جماران به سوی تهران سرازیر شد. انبوه جمعیت بازاری، بارفروش، دانشگاهی و اقشار مختلف مردم، با فریادهای رعد آسای «یا مرگ یا خمینی» و «مرگ برشاه» تهران را به لرزه درآورد. شاه که در برابر قیام قهر آلود ملت، تاج و تخت خود را درحال زوال می‌دید، با رگبار مسلسل به جنگ ملت مظلوم رفت و تهران را در پانزدهم خرداد ۱۳۴۲، به کشتارگاه مخوف و حمام خون تبدیل ساخت.

راه‌پیمایی در سایر شهرها

در روز پانزدهم خرداد ۱۳۴۲، در بیشتر شهرها، درگیری، راه‌پیمایی، برگزاری جلسات و نیز سخنرانی بر ضد رژیم و اعتراض به دستگیری امام صورت گرفت. در بعضی از شهرها مانند شیراز، تبریز و مشهد، اعتراض از شدت و گستردگی بیشتری برخوردار بود که در اثر این حوادث، تعداد زیادی کشته، مجروح یا زندانی شدند.

شعرخوانی

مرحبا ای پیک مشتاقان بده پیغام دوست
گر دهد دستم کشم در دیده همچون توتیا

تا کنم جان از سر رغبت فدای نام دوست
خاک راهی کان مشرف گردد از اقدام دوست

واله و شیداست دایم همچو بلبل در قفس
میل من سوی وصال و قصد او سوی فراق

طوطی طبعم ز عشق شکر و بادام دوست
ترک کام خود گرفتم تا برآید کام دوست

زلف او دام است و خالش دانه آن دام و من
حافظ اندر درد او می‌سوز و بی‌درمان بساز

بر امید دانه‌ای افتاده‌ام در دام دوست
زان که درمانی ندارد درد بی‌آرام دوست

سر ز مستی برنگیرد تا به صبح روز حشر
هر که چون من در ازل یک جرعه خورد از جام دوست

بس نگویم شمه‌ای از شرح شوق خود از آنک
دردسر باشد نمودن بیش از این ابرام دوست

حافظ

ادامه سرمقاله

آموزش با ما چه می‌کند؟

به راستی چه مشکلی در سطح آموزش‌های ما از دوران کودکی وجود دارد که عدم توانمندی جوانان تحصیل کرده این روزها بسیار چشم گیر شده است. اگر بخواهیم واقع بینانه نگاه کنیم علت بیکاری بسیاری از افراد از نداشتن علم نیست، از نبود کار در جامعه نیست، بلکه از نبود توانمندی و مهارت است.

احتمالاً برای شما هم پیش آمده است که برای خرید به فروشگاه بسیار شیک و مجللی مراجعه کنید که جنس مورد نظر شما نیز در ویترین آن فروشگاه موجود می‌باشد اما در زمان خرید، فروشنده از کمترین مهارت ارتباطی برخودار است و شما نمی‌توانید با فروشنده ارتباط برقرار کنید و در نهایت خریدی صورت نمی‌گیرد، به وضوح می‌بینیم که حجم بسیار بالایی از هزینه و سرمایه گذاری در یک کسب و کار صورت گرفته است اما هزینه‌ای برای یادگیری اصول ارتباطات نیروی انسانی صورت نگرفته است. اگر بخواهیم بازهم جدی‌تر به موضوع نگاه کنیم خواهیم دید که خود ما از ابتدای صبح که از خانه بیرون می‌رویم تا لحظه‌ای که برای استراحت به خانه بر می‌گردیم زندگی‌مان وابسته به مهارت‌هایمان خواهد بود، مهارت‌های ارتباطی، مهارت‌های کلامی، مهارت‌های فنی که در حرفه و شغل خود از آن ها کسب روزی می‌کنیم و...

پس همین امروز به فکر یادگیری باشیم و یادگیری خودمان را متحول کنیم تا زندگی ما دست خوش تغییرات گسترده قرار گیرد، به عنوان نمونه اگر واقعاً تصمیم داریم که در سالهای آتی در خارج از ایران زندگی کنیم اولین لازمه آن یادگیری زبان انگلیسی است، ضرب المثلی هست که می‌گوید با حلوا حلوا گفتن دهان شیرین نمی‌شود، ما باید برای خواسته‌های خودمان اقدام کنیم و مهمترین اقدام شروع یادگیری و مهارت آموزی در زمینه مورد علاقه‌مان است. برایان تریسی از معروف‌ترین سخنرانان انگیزشی در جهان معتقد است: «تفاوت اصلی میان افراد موفق و ناموفق در این است که افراد موفق دست به کار می‌شوند، آن ها کارشان را شروع می‌کنند و هر کاری را می‌خواهند انجام می‌دهند، برعکس افراد ناموفق همین ایده‌ها را دارند، اما همیشه بهانه‌ای برای اقدام نکردن نیز دارند.» او می‌گوید «آموزش، کلید توسعه فردی است و سعی کنید ۳ درصد از درآمد خود را صرف رشد و توسعه فردی کنید و بر روی آموزش خود سرمایه گذاری کنید.»

حالا که با خواندن این نکات به درک ضرورت آموزش پی بردیم، بدون تردید اولین اقدامی که باید برای رشد و پیشرفت خودمان انجام دهیم سرمایه گذاری بر روی خود و آموزش دیدن در زمینه تخصص خودمان است. هیچ تفاوتی ندارد که ما یک پزشک جراح هستیم یا یک فروشنده لوازم خانگی یا یک ورزشکار، مهم این است که به فکر ارتقاء و رشد خود باشیم و از یادگیری دست نکشیم چرا که آموزش سبب رشد و تغییر زندگی ما خواهد شد.

حرف آخر

پتانسیل های اقتصادی را دریابیم

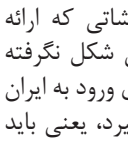

ابوالفضل زاهدی‌پور

روزنامه‌نگار

بحث اصلی این روزها این است که آیا سرمایه‌گذاری وارد بخش‌های مختلف کشور ما می‌شود یا خیر؟ در این مورد تجربیات بسیار قابل ملاحظه و موفقی را در کشورهای مختلف از جمله کشورهای منطقه و کشورهای جنوب شرق آسیا، داشته‌ایم؛ پس راه چاره مشخص است. ورود و خروج سرمایه از چند منظر بررسی می‌شود. مهم‌ترین عاملی که برای ورود سرمایه‌های خارجی دیده می‌شود، بهبود فضای کسب و کار است؛ در واقع منظور، اصلاح قوانین، بهبود نهادهای حوزه قوانین و مقررات و دستورالعمل‌ها و ایجاد پیوند شفاف بین بازارهای مالی ما با بازارهای خارجی است و این سیگنال قابل اعتماد از سوی سیاست‌گذاران داخلی برای سرمایه‌گذاران خارجی به عنوان تضمین ورود سرمایه است. در حوزه فضاهای کسب و کار، نهادهای مختلفی داریم که درجه ریسک مالی – اعتباری – سیاسی - تجاری ما را به دنیا مخابره می‌کند و سرمایه‌گذاران خارجی نیز بر اساس همین سیگنال‌ها اقدام به ورود سرمایه به اقتصاد ایران می‌کنند. متاسفانه در حوزه ورود سرمایه به اقتصاد، علی‌رغم گزارشاتی که ارائه شده، چندان کار عملیاتی شکل نگرفته و سرمایه‌گذار خارجی برای ورود به ایران باید بیش از ۳۷ مجوز بگیرد، یعنی باید بیش از ۱۶۰ روز کاری معطل شود. اکنون باید رویه‌های قضایی برای ورود سرمایه، اصلاح شود و دستورالعمل‌ها و موانع تعرفه‌ای مورد اصلاح و بازبینی قرار گیرد. امروز نیاز است که نقل و انتقال پول اصلاح گردد و نهادهایی که این سرمایه را می‌پذیرند هرچه سریع‌تر در کنار زیرساختی که این پول و سیستم مدیریت را به بخش صنعت پمپاژ می‌کنند اصلاح شوند. تجربه مالزی، اندونزی، هند، چین، کره‌جنوبی، سنگاپور، ترکیه و قزاقستان و خیلی کشورهای منطقه‌ای و آسیایی را داریم که نشان دادند این ورود سرمایه‌ها زمانی وارد کشوری می‌شود که فضای کسب و کار اصلاح شود. مساله بعدی، اراده جدی سیاست‌گذاران مالی، پولی، دولت و بخش خصوصی برای جذب این سرمایه‌ها است و تا این اتفاق‌ها نیافتد، سرمایه‌گذاران خارجی همچنان کشورهای دیگر را برای ورود به کشور ما ارجحیت می‌دهند. متاسفانه شاهدیم که بسیاری از سیاست‌گذاران ما در حوزه دولت، بسیاری از مواقع، قوانین دوره‌های قبل را یا تغییر داده‌اند یا حتی اگر تغییر نداده‌اند اعتقادی به آن قوانین تنظیم شده نداشتند. ما کشوری هستیم که به خصوص برای سال‌های آینده تا سال ۲۰۲۱ در حوزه اقتصادی به ویژه صنعت و معدن حجم زیادی از سرمایه‌گذارها را به خود اختصاص خواهیم داد؛ به ویژه در بخش معدن ایران می‌تواند کشور اول منطقه غرب آسیا برای ورود سرمایه باشد. این‌ها زمینه‌هایی است که از منظر مزیت نسبی برای اقتصاد ما و برای ورود سرمایه خارجی به حساب می‌آید که امید است با یک برنامه‌ریزی مدون بتوانیم در جذب آن موفق باشیم.